

مجدداً ماده دوم از پیش نهاد شاهزاده لسان الحکماء قرائت شد .
رئیس - اصلاح دوم از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده خوانده میشود [عبارت ذیل خوانده شد]
 مراد از اکثریت آراء در اصل هفتم قانون اساسی این است که رای مجلس در رد و قبول وقتی معلوم میشود که بیش از نصف حضار مجلس برود یا قبول رای دهند در صورتیکه عده حضار برای اخذ رای کافی باشد .

رئیس - اصلاح سوم از طرف آقای زنجانی پیشنهاد شده و تقریباً همان اصلاحی است که از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده خوانده میشود [عبارت ذیل خوانده شد]
 ماده دوم - مقصود از اینکه در ذیل ماده هفتم قانون اساسی ذکر شده [و اکثریت آراء هفتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار رای دهند] این است که در قبول مطالب مطرح شده وقتی حاصل میشود که اکثریت حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از رد یا قبول رای دهند .

رئیس - این دو فقره اصلاح که از طرف آقای ذکاء الملک و آقای زنجانی پیشنهاد شده موافق است با رایورث کمیسیون حالا در اصلاح شاهزاده لسان الحکماء رای می گیریم .

لسان الحکماء - بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم بجهت اینکه می بینم مجلس همان عقیده را دارد .

رئیس - رای می گیریم در اصلاحی که از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده است آقایانیکه این پیشنهاد را بطوری که خوانده شد قابل توجه می دانند قیام نمایند (قبول شد) مذاکره در رایورث کمیسیون امروز باقی است بجهت اینکه ماده اول رجوع شد به کمیسیون وقتی که از کمیسیون برگشت آنوقت رای می گیریم ولی آن کمیسیون تغییر منحل شده است بجهت اینکه سه نفر از اعضاء آن کمیسیون استعفا کرده اند یک نفر هم فوت شده است سالایند کمیسیون تجدید شود برای اینکه وقتان تلف نشود اگر آقایان موافقت این کمیسیون را هم از شعب انتخاب می کنیم دستور امروز ما قانون قیام استناد و قانون منع احتکار آقای ادیب التجر تقاضا کرده اند که قانون منع احتکار را مقدم بداریم بر قانون ثبت اسناد ولی در دستور قانون ثبت اسناد مقدم است .

وزیر عدلیه - بنده تقاضا می کنم که قانون ثبت اسناد را مقدم بدارند بر منع احتکار بجهت اینکه این فوریت دارد برای اینکه مقداری از آنهم گذشته است و باید تکلیف اداره معین خود و بلکه اندام معین شده است اینکه بنده تقاضا میکنم که این قانون را مقدم بدارند .

ادیب التجر - چون قانون ثبت اسناد چندین ماده اش مانده است و مهم است و آقای وزیر عدلیه تقاضای تقدم آنرا می کنند بنده هم قبول می کنم بشرط اینکه قانون منع احتکار در جلسه آتی در اول دستور گذاشته شود .

افتخار الواعظین - گویا ده بیست ماده از قانون ثبت اسناد باقی مانده است و این قانون منع احتکار فقط چهار ماده است و یک تبصره آقای وزیر داخله هم تشریف دارند گویا اگر قانون ثبت امتداد بماند ایشان تشریف ببرند خوب است اول این قانون منع احتکار شروع شود که بزودی هم خواهد گذشت .

رئیس - پس رای می گیریم آقایانیکه تصویب بفرمایند که قانون منع احتکار مقدم شود قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)
آقای میرزا ابراهیم خان - رایورث کمیسیون داخله را عبارت ذیل از ابتداء الی جمله (محظورات آن در ذیل عرض میشود) قرائت نمود .
 کمیسیون داخله برای تجدید نظر رایورثیکه سابقاً در خصوص جلوگیری از احتکار داده بود چهار جلسه منتهی گردید بعضی از آقایان نمایندگان هم که اعتراضاتی برایورث داشتند تشریف آورده مذاکرات زیاد در این باب و رفع اعتراضات شد بالاخره باتفاق آراء اعضاء کمیسیون طرح آقای ادیب التجر که در کمیسیون مینکرات اصلاح شده قابل اجراء نیست و برای اثبات مواد کمیسیون مینکرات و اشکالات و محظورات آن در ذیل عرض میشود

ماده اول - هیچکس زیاد بر قدر لازم مزراعت و معیشت خود و کسانی که در تحت کفالت او هستند تا برداشت اولین محصول آینه حق حبس کند و جو و برنج را ندارد .

ماده دوم - هر کس زیاده بر مقدار مذکور در ماده فوق برنج و گندم جو حبس نماید باید بهر مامی بیست و یک جنس مزبور یا قیمت عادلانه علی آرا بکار گذاران دولت بپردازد

ماده سوم - کسانیکه برای فروش جنس زیاده از ماونه مقرری خود با اداره حکومتی اطلاع داده و سند کتبی گرفته باشند از ماول ماده دوم معاف خواهند بود اشکالات در ماده اولی بدیهی است وضع این قانون عمومی است و غرض این نبوده که قانونی برای شهر طهران و آنهم در یک حال وضع شود پس بطور کلی نمیتوان گفت که هیچکس زیادتر از قدر معیشت تارفع اولین محصول نباید جنس نگهداری نماید زیرا که اولاً در غالب بلاد دوردست خریدار نیست ثانیاً شاید جنس محتاج الیه نباشد و عنوان احتکار صدق نکند - ثالثاً در صورت اجراء این ماده با نهایت صعوبت ناچار سلب خواهد شد که مقدار زیادی از جنس بلاد قریب بر سرحد بفارجه حمل شود و این مسئله بالطبع اسباب کمی و گرانگی جنس خواهد شد - رابعاً شاید در سال آتی آفات ملخ خوارگی و سن خوارگی و زلزله و خشک سالی که غالب بلاد ایران اغلب سنوات با آنها گرفتار است به حصول وارد آید و چون جنس ذخیره نداریم اسباب قحطی خواهد شد خامساً در برنج عنوان احتکار صورتی ندارد در ماده دوم و علاوه اشکالات سابقه اولاً چون غرض از وضع این قانون توسعه ارزاق است نه تحصیل فایده برای خزانه دولت پس در باب وجه وافی به تحصیل غرض نیست ثانیاً اگر جنس رو بترقی باشد معسوس است ماهی مبالغی بر قیمت افزوده میشود پس کسیکه بی شرفی احتکار را تعدیل میکند باک آزادی این جزئی وجه ندارد ثالثاً بستن مالیات بر مینکرات تروافع بیک قسم اجازه است بر احتکار

آرا در قراء و مزراع پنهان نکنند پایلاد دیگر که مخصوصاً بفارجه حمل ننمایند و اگر ثبت فروش را نهند بکلی وضع این قانون لغو خواهد بود این است که ماده سوم نوشته شده احتیاج بدار چهارم که خلاصه و نتیجه تمام زحمات و در حقیقت حکم شرع مقدس است واضح تر از آن است که دلیل و برهانی لازم داشته باشد و برای اینکه وضع این قانون اسباب دخل حکام نشود یا اینکه در همه جا بلدی قانوناً دخیل کار است محض را نیز دخیل فراد دادیم برای اینکه تعیین قیمت فقط به میل حکومت نباشد بلکه اعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی نیز که غالباً از علماء و اعیان بلد انتخاب میشوند نظارت کرده نگذارند اجتناباً به محسکرت یا خریدار وارد آید علاوه بر اینها چون صاحبان جنس هر بلدی غالباً امزه و اشراف آن بلد هستند هرگز راضی نیستند شرف و قبول عامه خود را برای جزئی نفعی مخدوش و منقوش نمایند تا خود را با فقرای بلد طرف کنند مادامیکه احتکار آنها فی الجمله در پرده است بالا اهل باس و رسم معین نیست باک از آن ندارند اما همین که بنا باشد اسم آنها و مقدار جنس آنها و محل انبار در دفاتر حکام و بلدی ثبت و شاید در موفی درج نماید مندرج بشود بقدر مقدور از این کار اجتناب خواهند کرد و باین واسطه بیک اندازه جلوگیری از احتکار میشود و علاوه همین که حکومت شهر که مسئول ارزاق است و بلدی از این جهت جنس بلا اطلاع صحیح حاصل کنند در صورتی که جنس بلد را وافی با احتیاج آن بدانند بهر وسیله باشد قبل از اینکه دچار سختی شوند از خارج تهیه جنس خواهند کرد و اگر قصور کنند محذور نخواهند بود اما اینکه بعضی در نرخ عادلانه مذاکراتی کرده و پیشنهاد نمودند نرخ مشخصی باشد علاوه بر اینکه مخالف با موازین شرعی است از حیز امکان خارج است زیرا که دوشهر در ایران نیست که نرخ جنس در آن مساوی باشد پس بطور عموم تعیین نرخ امکان ندارد برای هر بلدی هم نمیتوان تعیین نرخ حاصل نمود زیرا که در سنوات نظر بکثرت و قلت حاصل و آفت و تغییر تغییر خواهد کرد تعیین نرخ هم مطابق قانون از وظایف بلدی است و خوب است تمام نظر را معطوف به بلدی حالیه طهران و بعضی بلاد دیگر نذاریم هر گاه در انتحاب اعضاء بلدی دقتی شده و بعضی لواحق بقانون آن اضافه شود امیدوار هستم در هر بلدی دارای بلدی صحیح باشیم و این وظیفه قانونی را مجری دارند مع ذلک تبصره برای مواقع سختی و تنگی در آخر ماده چهارم اضافه شده و باره تغییرات مختصر نیز در مواد اریبه داده شده دیگر اختیارات با اکثریت آراء نمایندگان معترم است ماده اولی - عموم کسانیکه جنس انبار می کنند اهم از مالکین و مستأجرین و اشخاصی که جنس خریداری کرده اند مکلفند صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یک ماه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دیناری از این بابت بر آنها تحمیل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر ثانیاً مقدار که از آن برای مصارف شخصی یا بذل و مساعده یا مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تفشیش و تعقیب بر حکومت و بلدی معفتی شد که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده جنس انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروش رساند و وجه آن را صاحب جنس عاید دارد .

ماده ثالثه - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانیکه جنس خود را بفروش میرسانند یا مصارف آنها زیادتر از تعیین ابتدائی شده صورت آن را به بلدی و حکومت اطلاع خواهند داد .

ماده رابعه - در موقتی که هیئت مصدقه تصدیق کمی جنس برای ارزاق لازمه شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شود در کتابچه مذکور ضبط است اخطار و الزام کند که بر حسب تقسیم انبار داران باید از جنس خود به نرخ عادلانه روز بفروش برسانند چنانچه پس از اخطار آنها و الزام جنس خود را بفروشند حکومت مکلف است با اطلاع انجمن ولایتی و انجمن بلدی و گذشتن موعد مقرری که از ابتداء معین کرده انبار را باز کرده جنس آنها را قیمت عادلانه بفروشد و وجه آنرا نقداً بدون کسر تسلیم صاحبان جنس نمایند و هر خرواری یک تومان مجازات نقدی از محسکرت دریافت خواهد شد تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادلانه هیئت باس هیئت مصدقه در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکب از سه نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و سه نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است

رئیس - این رایورث خیلی مفصل است طبع و توزیع هم شده است دیگر خواندن آن گویا لازم نیست چون این مدتی است که مطرح بوده و محض توضیحات بکمیسیون رفت آقایانی که در کلیات این مخالف هستند بفرمایند .

حاج شیخ علی - کلیات این مقدار کرده فوریتش هم برای داده شده این مدتی است و اولاد کلیاتش رای داده ایم و فوریتش هم تقاضا شده و رای داده ایم **رئیس** - در فوریتش خاطر ندارم که مجلس رای داده باشد .

شمیر حضور - بنده تقاضا میکنم **رئیس** - تقاضا میکنم استدلال بکنیم برای بگیریم .

شمیر حضور - دلیل فوریتش این است که این قانون منع احتکار است و خیلی مهم خیلی وقت هم هست که مانده است این دلیل فوریت آن است **رئیس** - رای میگیریم فوریت این را **ادیب التجر** - این رای مجدداً است گویا فراموش شده است بنده فوریت این را تقاضا کردم و رای هم داده اند در صورت مجلس هم قید شده و در روزنامه هم نوشته شده است

رئیس - چون بنده آنوقت رئیس نبودم و باید رجوع بکنیم بصورت مجلس حالا مجدداً رای میگیریم ماده اولی عبارت ذیل خوانده شد **ماده اولی** - عموم کسانیکه جنس انبار میکنند اهم از مالکین و مستأجرین و اشخاصی که جنس خریداری

میکنند صورتی که دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دیناری از این بابت بر آنها تحمیل شود - اولاً مقدار جنس بدون کسر - ثانیاً مقداریکه از آن برای مصارف شخصی یا بذل و مساعده یا مالیات لازم دارند - ثالثاً محل انبار .

وزیر داخله - اساساً در ابتداء نظر کابینه وزراء مساعد است باین و بناسبت اهمیت مطلب خیلی لازم میدانند که دولت در این قانون و هر قانونی که وضع میشود خیلی دقت شود و رعایت این دولت که لازم است اولاً باید قانونی وضع کرد که با مقتضیات امروزه این مملکت و فقدان نقصان و وسائل و اسباب لازم بتواند بوقوع اجراء بیاورد والا اگر یک قانونی اینجا وضع شود و بواسطه فقدان اسباب و وسائل نتواند کاملاً بوقوع اجراء بیاورد در حقیقت و مبنی است که بقانون وارد میآید بکلی این بود که باید رعایت شود و نکته دیگر هم این است که در وضع قانون همیشه باید این ملاحظه را بکنیم که اشخاصیکه امروز مجرای قوانین خواهند بود یعنی آن اشخاصیکه در دعوات باس مباشر یا مأمور مکلف خواهند بود که این قوانین را اجراء بکنند اینها عادی هستند بیاره عادات که تا یکی دو سال نمیتوان آن عادات را از آنها رفع کرد پس باین ملاحظه باید این نکته را رعایت کرد که طوری قوانین وضع شود که حتی الامکان برضعا و رعایا ظلم و تعدی وارد نشود نکته اولی که عرض کردم این است ملاحظه بفرمایند میگوید - ماده اولی عموم کسانیکه جنس انبار می کنند اهم از مالکین و مستأجرین و اشخاصیکه جنس خریداری کرده اند مکلفند صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند اگر چه اشخاصیکه در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند اگر چه اشخاصیکه در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند ولی این قانون برای آنجا هائی است که مرکز حکومت باشد و بلدی داشته باشد و جاهاییکه بلدی و حکومت ندارد این قانون برای آنجا هائیکه معلوم میکنند ولی یک قانونی که وضع شد باید اهمیت داشته باشد لهذا همان اشخاصی که یک جنس مختصری دو خروار سه خروار چهار خروار دارند صورت دادن آنها بیکمتر نزی که در آنجا حکومت پایلادیه هست این خیلی از اشکال نیست اگر اینها را مجبور کنیم که صورت بدهند ولو آن مقداری را که برای معیشت خردشان نگاه داشته اند آندیس آنوقت باید عاده اولی را تغییر داد و اگر مجبور میکنید آنوقت از انصافی دهات ایران از میان رعیتی که معلوم است که از صد نفر یک نفر دو نفر سواد ندارند و عادی این ترتیبات نبوده و نیستند تعجب نمیشود در آنجا بیکمتر کزی که در ده فرسخی دوازده فرسخی بیست فرسخی هست که در آنجا حکومت و بلدی هست اطلاع بدهد و ممکن هست بکنیم که اوننواسته است در ده و رده معینی مرکز اطلاع بدهد این بدست مباشرین جزء یک و سه باشد که بتوانند بوسیله آن بهانه در حق آن کسیکه دو خروار جنس برای آذوقه خودش دارد اسباب تصدیه و زحمت قرار بدهد اینجا اسبابی که برای اینکار ها لازم است در ممالک دیگر در مملکت مائیت اولاً سواد ندارند که

بنویسد روزنامهها یا اعلانات دیگر هر کس مطلع بشود که امروز چه قانون وضع شده است و باید از روی چه نظامنامه اجراء شود و همینطور است و مسائل نقلیه دیگر درجهجا نیست تحصیل بعضی تا مدت های مدیده هیچ اطلاعی پیدا نکنند از این قانون و مباشری که بخواهد باو صدمه بزند ممکن است همین را عنوان بکنند و بگویند که شما در این بکماه از آن بکشور آمدی که انبار کردهاید هیچ اطلاع نداده اید بلدی که در پانزده فرسخی واقعتا پس مقنن باید ملاحظه این را بکنند که قانون را طوری وضع کند که بحال حالیه مملکت اسباب ظلم و تعدی نشود باین مناسبت بنده گمان می کنم که یکندری در این ماده اولی خوب بود معین میشد که متجاوز از سه خروار چهار خروار یا پنج خروار هر اندازه که بنظر آقایان محترم برسد معین فرمایند که آن اشخاصی که متجاوز از این میزان را دارند آنها مجبور باشند که اطلاع بدهند اما آتھائی ۴ انبار دارند یا خریدند که برای ترقی فایده ببرند بیست خروار سی خروار در خروار انبار کرده اند یا مستاجرند ملکی را اجاره کرده اند آنها باید اطلاع بدهند این مقداری که عرض کردم مقداری است که بقیه بذر خواهد بود اشخاصی که یک مقدار کمی برای خودشان ذخیره میکنند آنرا عرض نمی کنم آنها معلوم است این رعایت خیلی خوب است که شده که بآنها چیزی تحصیل نخواهد شد و آتھائی که یک مقدار زائدی دارند باید اطلاع بدهند و در موقع لزوم بآنها خواهند گفت که انبارش را باز کنند و بفروشد اما معین قدر که تکلف باشند که اطلاع بدهند این اسباب زحمت است برای آنها حالا در این باب در ماده اولی گمان اینست که بکمبودی برای آنها معین شود اشخاصی که زائد بر آن مقدار را دارند آنها تکلف باشند رعایت این قانون را بکنند.

بوسیله جنش را میفرودند پولش را با تمام باو میدهد و در کمیسیون این فرمایش آقای وزیر داخله بیک علت بود که اعضای کمیسیون داخله تصویب نکردند در اینجا فید بشود و آن این است که ممکن است در یکدمی ده نفر جمع شوند بطریق اشتراك هر کدام پنج خروار غله بخرند انبار کنند و مجموع میشود پنجاه خروار و از برای آن پنجاه خروار حکومت احتیاج دارد ولی نمیتواند آن ۵۰ خروار را که آن ده نفر بالا اشتراك آدمی پنج خروار جدا جدا انبار کرده اند از دست آنها بگیرند خواهند گفت شما مطابق قانونیکه نوشته اید زبانه از پنج خروار را نوشته اید و ما زبانه از آن نداریم آنوقت حکومت از استفاده آن پنجاه خروار معزوم خواهد ماند و آنکھی آقای وزیر داخله فرمودند که برای اجراء قانون در وزارت داخله نظامنامه نوشته خواهد شد البته در آن نظامنامه هر شکل که اسباب سهولت جریان این قانون را که آسایش رعایا منظور شود ممکن است فید فرمایند کدر مقام اجراء آن قانون دچار بعضی اشکالات نشویم.

وزیر داخله - فرمایشاتی که آقای مخیر فرمودند گمان میکنم این معظور رافع نمیکند راحت است برای اجراء هر قانونی باید یک نظامنامه نوشته شود ولی اساس کار همان قانون خواهد بود و نظامنامه طرح عمل آن نظامنامه نمی تواند طوری تغییر بدهد مابیه قانون را که آن مقصود بدهد برود به بنسبیت همان نظامنامه بنده عرض میکنم که در این ماده اولی تغییراتی باید داده شود بجهت اینکه در این ماده اولی میگوید مکلفند که صورت بدهند وقتی که همه آتھائی که یک جنس دارند اعم از یک خروار تاده خروار یا زبانه تکلف میکنند قانون که صورت بدهند آنوقت نظامنامه مجازات معین میکنند و باید هر کس به تکلیف رفتار نکرده است برای او یک مجازاتی قرار بدهد پس باین مناسبت چون گفته اند تکلف است لابد است هر کس که ده من جو یا گندم دارد و صورتی بدهد و بطوریکه عرض کردم صورت دادن این اشخاصیکه ده فرسخی یا زوده فرسخی میزانش معین شده است هستند باید بیایند صورت بدهند و تکصوبت بی خودی تحمل کرده ایم برضفا بجهت اینکه مقصود مقنن این نیست که از ضما که یک خروار دو خروار سه خروار یا پنج خروار جنس برای آذوقه برای بذر خودشان دارند در موقع شدت بخواهد از آنها استفاده کند مقصود آن کسی است که مقدار زیادی را در انبار نگاه داشته است اما وقتیکه گفته شد مکلفند آنها هم باید صورت بدهند پس نباید یک چیزی را نوشت که بر اشخاص بدون جهت یک زحمتی وارد شود بدون اینکه دولت بتواند مدد واقع ضروری از آنها استفاده کند حالا آقای مخیر در جواب بنده میفرمایند ممکن است که چند نفر بالا اشتراك مثلا ده نفر پنجاه خروار جنس انبار کنند و میگویند در موقع تقشش این مقدار را داشتیم و از این قاعده مستثنی هستیم بنده عرض می کنم که این یک نوع نقلی است در این مملکت همه قسم نقل ممکن است بشود البته آن نظامنامه آنوقت چاره این نقل را خواهد کرد البته درده جای این مملکت ممکن است یک همچو

چیزی واقع شود ولی نمیشود برای آن ده یا یک زحمت کلی بر همه وارد آورده و جماعتی را دچار صدمات کرد در مواردی که همچو چیزی اتفاق می افتد و جماعتی مشترک با یک مملکتی را احتكار میکنند باین عنوان البته آن خودش یک نقلی است که حکومت وقتی که با اطلاع پانت جلوگیری خواهد کرد.

حاج وکیل الرعایا - عرض بنده در اینجا است خوب است حرف هر کس را خودش بزند شایع میدانم من مخالفی با موافق (دانه) مفاتیح القیب (لا یملها الا هو) از باطن بنده که خیر ندارید که چه میخواهم بگویم بنده عرض میکنم اینکه فرمودند در کلیات این قانون مذاکره شده است این آن قانونی است که در کلیاتش مذاکره شده است تمام آن تغییر کرده است حالا چون مجلس میفرماید مذاکره شده در آن عرضی ندارم ببله عرض میکنم قانون برای اجراء است آیا میخواهم که حاضرری یا گرفتاری که دارید در این مملکت از برای اجراء قانون است با ازمعین قانون از کدامشان است اگر بگویند قانون ندارد گوش بنده حاضر نیست برای شنیدن و عرض می کنم که دارد که بگویند اجرا نمیکند آنرا هم می توانم بگویم که عاصیه شده اما آدمیم بر سر آن جزئیات که آنها را خوب بسنجیم و ببینیم که آیا آن قانون که بشود پشتیبانش خیلی بیشتر از این قانون است که اینجا گذارده شده آدمیم که بگویم چقدر جنس داری در مقام اجرا فرض کنید بنده یکی از مأمورین اجراء شامه-تم در یکی از دهات می آیم میگویم که چقدر جنس لازم داری آن ذارع اول معلوم است که دروغ نمیتواند بگوید اما مالک چه میگوید مالک میگوید که هر چه که اینهایی که کسب در آتھه ندارند و آنها تیکه ذارع من محسوب می شوند من مکلفم که احتیاط همه اینها را داشته باشم برای اینکه در یک معلی که همه دارا نیستند لابد اشخاصیکه بی بضاعت درین آنها هستند اگر بخواهم باین جزئیات متوجه باشم آنوقت از این اداراتی که همه شماها می شناسید و میگویند که مخارجش هم خیلی زیادتری کرده است حالا می بینم که خیلی خیلی بیش از این رسیدگی باین کار اجراء لازم دارد و بنده گمان میکنم که آن قانونیکه از اراق مردم را تهیه کند به مراتب خجی بهتر از این نوشته شده است و بقدر لزوم و کافی است فقط اجرا نکردن آن سبب شده است که ما اینجا داخل این مذاکرات بشویم و اگر آن را اجرا بکنیم دیگر هیچ محتاج باین نخواهیم بود و خود آن کافی است برای آنکه مردم را در رفاهیت نگاهدارد اما یک فکر عمومی که ما در سختی نگاه داشته است شاید تماش هم از جنس نباشد ممکن است در خیلی جاهائی که چندان احتكار در کار نباشد ارزاق را یک جا جمع کرده است و جاهائی دیگر که آنها خیلی نزدیک است که ما جنس داشته باشیم لکن بسکار امروزان که سختی است نخورد مثلا در بروجرد که تا همان که یک کمی راه است می بیند که سختی است ولی در همان زیاد است این جهش آن است که وسائل حمل و نقل نداریم در این مملکت کم است و خیلی سختی حمل و نقل میشود پس گمان میکنم که از هر منع احتکاری یک چیزی

کافی است که لازم است فراهم کند و آن تهیه وسایل حمل و نقل خواهد بود یعنی راه آهن خواهد بود.

افتخار الواعظین - بنده منی فرمایشات آقای حاج وکیل الرعایا را تفهیم میفرمایند که هیچ وضع این قانون لازم نیست برای اینکه قانون مقدس اسلام قانون منع احتكار را معین کرده است بنده هم تصدیق دارم شارع مقدس سه چیز را معین کرده که آن سه چیز در این قانون نوشته شده یکی اینکه احتكار کسی مصداق پیدا میکند آن در وقت حاجت است اگر کسی دوست خروار گندم را انبار بکند و بکسی نفروشد مردم احتیاج نداشته باشند او را محترک نمیکند اگر در وقت حاجت داشت و نفروخت در اصطلاح شرع او را محترک میگویند و این در اینجا نوشته شده است دیگر احتیاط چه چیز است که شارع مقدس احتكارش را منع فرموده گویا جزو گندم میوز و زبانه است که در اینجا در جیش که قوت غالب است فید شده است و دیگر حد مجازات محترک است و مجازات محترک راه شرع مقدس معین کرده است که اگر مردم محتاج باشند بآن جنس واد نفروخت حاکم شرع او را اجبار و الزام میکند که بترخ عادل شهر بفروشد و این عین آن مواردی است که کاملا آن سه چیز در آنها رعایت شده است و اگر میفرماید که این قانون لازم نیست بنده عرض میکنم که این قانون در مجلس شورای ملی قابل توجه شده است دیگر در وضع عدم وضع آن نمیتوانم مذاکره بکنم و اگر میفرماید کدر وضع اجراء آن ادلرات زیاد لازم خواهد داشت آنرا هم عرض میکنم که شایر اگر این چهار ماده را بدقت مطالعه میفرمودید میدیدید که یک اداراتی که تازه بخواهند تاسیس بکنند لازم نیست بجهت آنکه اختیاراتی که حکومت و بلدی در ذیل قانون بلدی و وزارت داخله داده ایم عین آن اختیارات را این قانون تأکید میکند و از برای اجراء آن تاسیسات جدید لازم نخواهد بود بلی قوانین در شهر لازم است و وزارت داخله هم این قانون را اجراء میکنند و وضع آن را برای رفاه حال مردم خیلی لازم میدانم.

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد در فقره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود.

افتخار الواعظین - در این مواد بعضی تغییراتی داده شده است اجازه فرمایند عرض کنم.

رئیس - فرمایند بخوانید بنویسید.

آقای افتخار الواعظین - ماده اولی را خواند و لفظ (مکلفند) را به (باید) تبدیل کردند.

وزیر داخله - آن معظور بیک بنده عرض کردم این لفظ (باید) یکندری هم زیادتر کرد.

اول - اصلاحی از طرف آقای فہم الملک پیشنهاد شده (ببابت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که بر ماده اولی از قانون منع احتكار این کلمه افزوده شود (عموم کسانی که زیاد از پنج خروار جنس انبار میکنند الخ).

دویم - از طرف شاهزاده لسان الحکماء به مضمون ذیل قرائت شد اصلاح ماده اولی - عموم کسانی که بیش از دو خروار جنس انبار میکنند.

سیم - از طرف آقای معزز الملک ببابت ذیل قرائت شد.

ماده اولی - عموم کسانی که جنس انبار بکنند اعم از مالکین و مستاجرین و اشخاصی که جنس خریداری کرده اند در صورتیکه جنس انباری ایشان

افزاده برده خروار باشد مکلفند که صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف بیکماه با اداره حکومت و اداره بلدی در صورت وجود و یا به مباشر محل خود بدهند و نوشته از این بابت در بابت دارند بدون اینکه دنباری از این بابت بر آنها تحویل شود.

(۱) مقدار جنس بدون کسر (۲) مقدار بیکه از آن برای مصارف شخصی یا بقر با بقایای با مساعده با مالیات لازم دارند (۳) محل انبار.

رئیس - عده کافی نیست این اصلاحات را هم که توضیح بدهند باید رای بگیریم این اصلاحات را در شورش دوم خواهیم رای گرفت و توضیحاتی هم که دارند آنوقت بدهند.

لسان الحکماء - عرض میکنم بعقیده بنده ده خروار پنج خروار زیاد است آن ابراداتی که آقای مخیر کردند ممکن است که امر تقشش خیلی بیشتر از این سهلتر بکنند بجهت اینکه کسانی که مقش هستند البته مطلع میشوند در صورتی که در نفع یک جنس را خریداری کنند و انبار کنند آن ابراد را تقشش رفع میکنند گذشته از این دو خروار قوت لایسوت بکنند کسی خواهد بود و ببله اگر بخواهند انبار بکنند باید اطلاع بدهند.

رئیس - رای میگیریم به اصلاح شاهزاده لسان الحکماء.

وزیر داخله - آن اصلاحاتی که دو خروار میزان معین میکند خیلی کم است خانواده که چهار پنج نفر باشند تقریباً دو خروار آذوقه آنها خواهد بود ببله بنده هم باید داشته باشم پس این دو خروار واقعا هیچ صحیح نیست بنده که از پنج خروار کمتر را قبول نمیکند و این میزان پنج خروار به عقیده من یک حد معتدلی است و آنها تیکه ه خروار یا کمتر دارند بعقیده من باید معاف باشند از رعایت این قانون و آنها تیکه بیش از ده خروار دارند آنها تکلف باشند که لافل زحمتی که دارد میشود بر آنها آورد شود.

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که اصلا این پیشنهاد ماکلفانم چقدر لازم نیست زیرا که هر قانونی را باید ملاحظه کرد اجرائش باینکه چه معلی است بطور باید اجرا شود این فقط احصائیه جنسی را معین میکند اینکه صورت بدهد یعنی آن کسیکه ه خروار دارد صورت بدهد یعنی چه هفت چیست اگر بگویم اجبارش کنند ما که گفته ایم در وقت ضرورت حکومت محل میتواند اینکار را بکنند پس تمام این پیشنهاد ها بعقیده بنده مخالف است با آن نظر اینکدر کمیسیون شده و فایده ندارد بجهت اینکه صورت دادن رفع زحمت را نمی کند.

رئیس - اینکه بنده اول خواستم در اصلاح شاهزاده لسان الحکماء رای بگیریم برای این بود که آقای فہم الملک اصلاح خودشان را دفاع نکردند حالا اگر میخواهد دفاع کنند چون ایشان پیشنهاد کردند که ه خروار باشد بنده دره خروار رای خواهم گرفت والا بنده مطابق نظامنامه میترانم در آن رای بگیریم حالا رای میگیریم به پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء آقایانی که موافقت فرمایند اعلب قوام نمودند رد شد.

فہم الملک - توضیحاتی که آقای وزیر داخله دادند برای این است که اشکالات برای مأمورین می شود و همچنین برای رعیت های بیچاره که یک مقداری گندم دارند و مجبور می شوند که از کوه بیایند و صورت بدهند این یک زحمت فوق العاده است و در خرواری را که شاهزاده لسان الحکماء پیشنهاد شده منی دائم این خانواده چطور خانواده است کدر خروار مقدار آذوقه او است و بیشتر لازم نداشته باشد بجهت اینکه دوسه خروار آذوقه او است و یک مقداری هم بذر سال آتیه او است که لافله خروار داشته باشد کسیکه منحصر است جنس او به خروار دیگر مکلف نباشد که بیاید صورت بدهد و همان طور که فرمودند هنوز که وزارت خانه هائی توانند کاملا اطمینان بدهند که مأمورین ما از هر ایل و طایفه که هستند درست مراعات مواد قانونی را ندارند پس خوب است این مقدار را معاف بداریم و زیاد بر این را شامل بشود که نتوانند بآنها زور بگویند و مابقی مکلف باشند که بیاید صورت بدهند.

رئیس - رای میگیریم با اصلاح آقای فہم الملک کسانی که موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) (رد شد).

معزز الملک - در موقع وضع این قانون گویا نمایندگان محترم و اعضای کمیسیون نظرشان فقط بتهران بوده است که هیچ اشکالی نخواهد داشت برای اینکه بروند با اداره حکومت یا بلدی که اظهاری بکنند و یک صورتی بدهند در صورتیکه بعقیده من در این موارد باید نظر را وسیع تر کرد و باید ملاحظه کرد که در این موقع که این قانون صورت قانونی پیدا کرد شامل تمام افراد ایرانی خواهد شد که می خواهند یک گندمی برای خودشان نگاه بدارند علی الخصوص باین ترتیبی که در این ماده نوشته شده است که با اداره حکومت و بلدی اطلاع بدهند یعنی تمام بلوکائی که هست آن بیچاره که دو خروار گندم دارد و در ده فرسخی بیست فرسخی یک جایی واقع شده است که در آنجا اندازه دولتی نیست باید خیلی زحمت متحمل شود و ۲ فرسخ راه را طی بکنند بیاید بآن اداره حکومت یا بلدی چه معلی است بطور باید اجرا شود این فقط احصائیه جنسی را معین میکند اینکه صورت بدهد یعنی آن کسیکه ه خروار دارد صورت بدهد یعنی چه هفت چیست اگر بگویم اجبارش کنند ما که گفته ایم در وقت ضرورت حکومت محل میتواند اینکار را بکنند پس تمام این پیشنهاد ها بعقیده بنده مخالف است با آن نظر اینکدر کمیسیون شده و فایده ندارد بجهت اینکه صورت دادن رفع زحمت را نمی کند.

رئیس - اینکه بنده اول خواستم در اصلاح شاهزاده لسان الحکماء رای بگیریم برای این بود که آقای فہم الملک اصلاح خودشان را دفاع نکردند حالا اگر میخواهد دفاع کنند چون ایشان پیشنهاد کردند که ه خروار باشد بنده دره خروار رای خواهم گرفت والا بنده مطابق نظامنامه میترانم در آن رای بگیریم حالا رای میگیریم به پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء آقایانی که موافقت فرمایند اعلب قوام نمودند رد شد.

متشکر صدخوار دویست خروار انبار میکنند برای اینکه بفروشد و منفعت ببرد حالا مغیر محترم خواهند گفت که از این راه ممکن است که یک قلبی بشود که یک جمعی بشرکت متعار زیادی گندم بفروند و پنج خروار پنج خروار هر کدام نگاه بدارند بعد بفروشند اگر کلیه بخواهند در قانونیکه میکنند یعنی آن قانونی که در اینجا میگردد هیچ ممکن نشود که در آن قلب بنمایند این را بنده تصور میکنم که نه در اینجا بلکه در تمام دنیا تا بحال همچو چیزی نشده است ایجاد بشود هر قانونی که وضع میشود لابد یک پشتیبانی خواهد داشت و یک مواردی که نتوان از حدود آن تجاوز کرد پس اگر عدل آن کسانیکه باین ترتیب فرمودند یک با دو یاره باشند تصور نمیکند معنی برای چهل خروار نباید نظریش را اینقدر ننگ بکنند و ما میگوئیم که استکار نشود وقتی که ما میگوئیم که از هر محلی کسی نمیتواند بیش از ده خروار را ذخیره کند همین خودش اسباب این خواهد شد که گرفتار بسخنی و گران نخواهند شد که محتاج باز کردن انبار دیگری بوده باشند بلکه این اسباب آسایش شده است یعنی همان چیزی که شما اسمش را تقاب میگذازید یک چیزی شده است که اسباب رفاهیت جمعی را فراهم نموده است و خودش گذران خودش را میکند بدون اینکه محتاج بشکستن انبار دیگری باشد در این صورت نرخ غله هم نمیتواند ترقی بکند و در صورتیکه بنده با این عقیده همراه و همانطوری که عرض کردم یعنی اگر اجازه بدهند که زیاده برده خروار را اجازه بدهیم این یک اسباب سهولتی است و آنکس هم که داراست و میخواهد غله انبار کند با اداره بلدیه و حکومت اطلاع بدهد ولی برای رعایای این یک رفاهی نیست بلکه یک زحمت بزرگی است که آن بیچاره که در آن ده فرسخی و بیست فرسخی می نشیند یک اسباب دعا گوئی برای شما فراهم خواهد کرد و تصور نمیکند هر رهیتی برای دو خروار گندم بتواند بیاید با بعد راه اطلاع بدهد و صورت بدهد یک مسئله دیگر هم در آن پیشنهاد بنده هست و لازم است عرض کنم در این باره کمیسیون نوشته است که هر کسبکه میخواهد غله انبار کند باید با اداره بلدیه یا حکومت اطلاع بدهد بنده در پیشنهاد خودم باز همان سهیل کار یک نظر دیگری را هم اضافه کردم و آن لفظ مباشرت بجهت اینکه ممکن است یک بلوغی باشد خیلی دور دست از اداره حکومت چنان معلوم میشود که مرکز مقصود مرکز آن حوزه حکومت است و در صورتیکه ممکن است در یک بلوک دور دست مباشری باشد آنجا ولی چون اسمی از آنها در این قانون برده نشده است ممکن است که آن مأمورین اجرای این قانون همچو تصور می کنند که اگر یک کسی نباید بعوضه مباشری بلوک خودش و صورت آن جنس انباری خودش را بدهد آن هنوز مسئول است و باید محکماً بر کار حکومت اطلاع بدهد این بود که بنده اینجا در پیشنهاد خودم اضافه کردم با اداره حکومت و بلدیه یا مباشر محل خودش اطلاع بدهد این نظر

بنده بود که عرض کردم بالاخره می خواهم این مرض را هم بکنم و آن این است این مرض را که میکنم هیچ نمی خواهم بکنم دیگر را در بکنم یا اینکه ایرادی بآن کسانی که این قانون را پیشنهاد کرده اند وارد ببازیم غیر این طور نیست و حالا باید هم این فدرجیت کرد که این ماده چون از کمیسیون آمده است باید بگذرد خوب است که ملاحظه بکنید یک طوری شود که اسباب زحمت دیگران نشود (مجدداً پیشنهاد منزال ملک فرات شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد اصلاح آقای منزال ملک را قابل توجه میدانند قیام نمایند

رئیس - با اکثریت رد شد و آقای حاجی شیخ علی سه خروار پیشنهاد سه خروار بطریق اولی رد خواهد شد (در این موقع پیشنهادی از طرف حاج سید ابراهیم به بابت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول بجای اداره حکومت لفظ (حکومت محل نوشته شود)

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم در پیشنهاد آقای منزال ملک این لفظ مباشر خوب نوشته شده بود و تماماً مراد کمیسیون هم حکومت ولایتی و ایالتی که در مرکز است نبوده مقصودش حکومت جزء است و حاکم دهی که ملزم است به التزام آنجا بنده گمان می کنم که پیشنهاد آقای منزال ملک از جهت مباشر رد شد از جهت سه خروار رد شد بنده تصدیق می کنم آن لفظ مباشر را خصوصاً که این ماده مقید است بهالکین و مستأجرین بنده تقاضا می کنم که لفظ مباشر محل که در پیشنهاد ایشان بوده بماده اول زیاد شود

افتخار الواعظین - بنده که مغیر کمیسیون هستم کلامه مباشر را قبول می کنم که نوشته شود

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم در پیشنهاد سرکار دیگر لازم نیست رای بگیریم

حاج سید ابراهیم - بنده هم قبول دارم چونکه آقای مغیر قبول کردند در این موقع اصلاحی از طرف نیرالسلطان به بابت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد می کنم شرح ذیل بر ماده یک افزوده شود (زارعی که بقدر کفایت آذوقه دارای جنس باشد از این قانون مستثنی هستند مشروط بر اینکه بیش از ما بحتاج خود انبار ننموده باشد هر گاه در موقع تقشیش معلوم شود که بیشتر از احتیاجات جنس انبار نموده موافق ماده چهار با او معامله می شود)

رئیس - رای میگیرم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند

رئیس - با اکثریت رد شد و گمان میکنم مذاکرات امشب کافی باشد در جلسه آتی به از ماده دو به بعد مذاکرات خواهد شد (اظهار شد که صحیح است)

رئیس - از مغیر کمیسیون معارف خواهش می کنم در باب اصلاحاتی که در قانون اساسی معارف

شده بود و رجوع به کمیسیون گردید زودتر ریاست او را بدهند و هم بطور از مغیر کمیسیون فوائد عامه از بعضی کمیسیونها که بعد از آنکه هیئت رئیسه خودشان را معین کردند اطلاعاتی که خواسته بودیم مطرح شده است از اغلب کمیسیونها جواب رسیده است ولی از کمیسیون عدلیه و کمیسیون بودجه هنوز جواب رسیده است خواهش میکنم آن مطالبی که خواسته بودیم زودتر جواب بدهند چون دستور مجلس تقیر میکند بنده همچو خیال میکردم که دستور امروز - امروز می گذرد نگذشت این است که مجدداً دستور را معین می کنم دستور شبه شور اول در قانون منع احتکار شور دوم در قانون ثبت اسناد دستور پنجمین قرار داد کمیای خالصجات قانون عتیقات و از آقایان خواهش می کنم بهماز اینکه جلسه ختم شد شعبات را تشکیل دهید رئیسه خودشان را معین و انتخاب کنند آن کمیسیون تفسیر هم که بنامش شعبات معین کنند آن کمیسیون راهم امشب معین کنند

آقای شیخی شیرازی - بنده عرضم این بود که نماینده نمایان مدت است اعتبار نامه اش بجلس آمده و یک مرتبه هم مذاکره شده و حالا ظاهراً دیگر معطلی ندارد آمدنش به مجلس مختصر هم هست طولانی نیست اگر آقایان تصویب کنند در یکی از این جلسات معینه جزء دستور گردد

رئیس - عرض میکنم این مسئله هنوز تمام نیست که جزء دستور بشود شعبه سوم که تشکیل شد رسیدگی میکنند راپورتش را می دهند بمذاکر آن جزء دستور میشود

هشترودی - بنده سئوالی از آقای وزیر داخله داشتم

رئیس - به پیشنهاد حاضر مستند و سئوال ایشان رسیده است

هشترودی - آقای وزیر داخله سئوال بنده رسیده است

وزیر داخله - بلی رسیده است بفرمائید

هشترودی - بنده برای اینکه از موضوع خارج نشوم مجبورم که قبل از سئوال مقدمه عرض کنم تا نتیجه درست معلوم گردد مسامحت است هر دولت نسبت بآن اشخاص که مقوم آن دولت شوند و از خودشان آن دولت را تشکیل دادند آن اشخاص نسبت بآن دولت بمنزله اولاد میشوند خصوصاً آن اولادها می که وراثت در تشکیل آن دولت جانشانی کرده و زحمات کشیده باشند خیلی هم صدمات دیده باشند آنها اولاد خالف میشوند و آنها هم که اولاد ناخالف دولت باشند باید بنظر اولادی بآنها نگاه بکنند نمی تواند به نظر اجنبی بآنها نگاه کند مثلا بنده اولادی دارم خیلی هم ناخالف باشد می خواهم او را ترک بکنم چه میکنم مثلا آنها می که در خانه من نامحرم هستند یا او که رفتار نمی کنم چون بازی گوش است یک تنبیهی لازم دارد لکن باز آن معرفت را دارد در خانه من و باز اولاد من است در تشکیل این دولت جدید هر کسی که زحمت کشیده

وزیر داخله - مخصوصاً این نکته رعایت شده چه نسبت پاد و چه نسبت باشخاصیکه خودشان رفته اند یا آنها را فرستاده اند این قسم رعایت شده است غیر از حکومت مرکزی که این اقدام کرده است از کسانی دیگر توهینی نشود

رئیس - آقای منزال ملک مطلبی داشته است آنوقت که اجازه خواستید مجال نشد حالا بفرمائید

عز الملک - مقصود از عرض بنده این بود اصلاحاتی که فرمودید نمایندگان در نطق خودشان مینمایند اصلاحاتی است که مطلب را هم تقیر بنده یا اصلاحات الفاظ است این ستم است اصلاحات باید طوری باشد که مطالب را تقیر بنده فقط اصلاح الفاظ باشد

رئیس - همانطوریکه عرض کردم گویا مطلب واضح بود عرض کردم که بعضی مطالبی که پس و پیش و مباحثش فقط میشود اصلاح کنند نه اصلاحی که معنی بکلی تغییر میکند فقط بعضی الفاظی که اقتاده است آنها را میتوانیم اصلاح کنیم و چون در

بدون استثناء چه از طرف رشت خراسان جای دیگر در خارج داخله بنده که یکی از نمایندگان هستم او اولاد دولت و ملت می دانم چون که در این اساس خدمت کرده است و عرض کردم هر اولاد هم که صالح نمی شود بلکه اولاد صلاح هم میشود عرض از آن اشخاصی که خدمات آنها را بنده برای الدین دیده ام مشاهده کرده ام در آن جنگ های شدید یکی یار محمد خان کرمانشاهی است آن جنگ هائی که کرده و سینه هائی که سپر بلانوده است در تأسیس دولت مشروطه کرده است و او بغیر اشخاصی است که در این دولت خدمت کرده است و بنده در آن جنگ ها

صورت مجلس - بنده عرض کردم هیئت اداریه و اداره بلدیه پس از تفشیش و تحقیق به حکومت و بلدیه محقق شد هر کس صورت جنس موجودی خود را ندارد یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده حکومت حق دارد با حضور مدعی العموم با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدیه در وقت سادب جنس آن انبار را قبل از انبار سایرین بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد در وقت مذاکرات البته این تغییرات که در نظر آقایان باشد البته عقاید و افکار نسبت بماده که سابق نوشته شده است بدون این تغییرات است تقیر خواهد کرد

آقای سید ابراهیم - مدرس - لواء الدوله

رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس هست

بهجت - در لایحه منم احتکار که در جلسه آقای مشیر حضور تقاضای فوریت آنرا کردند در صورت مجلس نوشته شده است با اکثریت رد شد و این صحیح نیست بجهت اینکه آن اشخاصی که قیام نکردند معلوم نیست که آنها امتناع از رای کردند یا رد کردند و اینهم هنوز معلوم نیست که امتناع کنندگان جزء رای دهندگان محسوب نمی شوند پس در هیچ صورتی باید گفت که با اکثریت پذیرفته نشد

رئیس - تصور نمی کنم تفاوتی داشته باشد ترتیبی که فرمودند با ترتیبی که تا بحال مجری بوده است دستور امروز انتخاب دو نفر اعضای اداره مباشرت قانون منع احتکار و اگر وقت پیدا کردیم قانون ثبت اسناد در این موقع شروع بخند آراء از برای دفتر مباشر مطابق ماده ۹۳ نظامنامه راجع گردید و آقای آقا میرزا ابراهیم خان بطور قرعه استخراج اسامی سه نفر از برای استخراج آراء نمودند و آقایان اسدالله خان کردستانی و شاهزاده لسان الحکماء و مشیر حضور بطور قرعه معین شدند

رئیس - عده اوراق رای در اینجا شمرده میشود و در موقع نطق در خارج استخراج بعمل می آید یا کتباتی رای و بهره های تقشیش شمرده و عده ۶۸ اعلام شد

رئیس - شعبه های دوم و سوم و چهارم راپورت خودشان را نداده اند خواهش می کنم تا فرود راپورت خودشان را بدهند حالا قانون منع احتکار از ماده دو قرائت میشود

آقای زنجانی - پیشنهادیکه فرموده اید در جلسه سابق پنج خروار برای گرفته شد و در دیگر باین پیشنهاد رای گرفتن چون تقریباً همان است صحیح نیست

آقای شیخ ابراهیم - چون مطابق دیگر هم دارد

رئیس - چون ماده اول شورش تمام شده در شور دوم رای می گیریم ماده ثانیه را بخوانید (ماده ثانیه قانون منع احتکار) بیارت ذیل قرائت شد ماده ثانیه - هر گاه پس از تفشیش و تحقیق به حکومت و بلدیه محقق شد که صورت جنس موجودی خود را ندارد یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده

حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدیه پس از تفشیش و تحقیق به حکومت و بلدیه محقق شد هر کس صورت جنس موجودی خود را ندارد یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده حکومت حق دارد با حضور مدعی العموم با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدیه در وقت سادب جنس آن انبار را قبل از انبار سایرین بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد در وقت مذاکرات البته این تغییرات که در نظر آقایان باشد البته عقاید و افکار نسبت بماده که سابق نوشته شده است بدون این تغییرات است تقیر خواهد کرد

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - این قانونی که اینجا آمده این بهترین قانون است که برای راحت عموم اینجا وضع میکنند ولیکن باید قدری تأمل کرده این طوریکه وزیر داخله گفت اول باید ترتیب اجرا و ترتیب پیشرفت قانون را بدید بعد قانون وضع کرد تا اینکه اسباب زحمت آن ضعیفانیکه می خواهم اسباب راحت آنها را فراهم بیاوریم نشود و بلاوه دست دولت را هم که باید آنرا اجرا بکنند نیندد و مردم را هم از قانون سزج نکند و شما که مردم را مکلف کردید که از جنس خودشان صورت بدهند هر گاه صورت ندادند خرمهارا برداشتنند هر کس خریدنی بود خرید هر کس فروختنی بود فروخت آن وقت صورت هائی بدست دادند اما دولت بآن صورتها اکتفا خواهد کرد یا نخواهد کرد پس باید دور دهات و نصیبات و شهرها بلکه تمام خانه های فقیران استفسار کنند به پیشنهاد آن خانه ها انبار است یا نه بر فرس صورت داده است و اسباب هم در یکجا هست به پیشنهاد که صورتی که داده است صحیح است یا غیر نوشته اند در سال آنقدر از برای مخارج خودمان لازم است صحیح است یا غیر این یک اسبابی است که کلیه مردم را متضرر میکند و دولت هم نمی تواند اجرا بکند و اسباب زحمت میشود هیچ وزارتخانه هم از عهده اینکار بر نخواهد آمد و این اسباب زحمت به جهت بیچاره خواهد شد باز اگر کاری بخواهند بکنند بعقیده بنده آنستکه در هر جائی که محصول است اولاد دولت یک نفر مأمور از طرف خودش در آنجا بگذارد به ایند این محصول چمی شود کجا انبار میشود کی - میگرد اینک بهتر از این است که دور خانه ها بیفتند و در خانه های مردم گردش کنند به پیشنهاد کی انبار دارد کی ندارد از مقداری که صورت داده بیشتر است یا کمتر علاوه بعد از آنکه یک چنین کار بزرگی دولت کرد و این همه زحمت ب مردم دادند و این قسم اسباب دردس برای دولت شد آنوقت دیدند بکنفر تعلق کرده است چه خواهند کرد عوض این تغلف بر موقع لزوم مثل اینها که صورت نامانده جنس او را خواهند فروخت این چه مجازاتی است باز عمل میشود همانطور که با آنکه صورت صحیح داده عمل میشود آنها آنستکه وقتی

جنس گران شد در موقع لزوم و موقع حاجت دولت ابارها را باز می کند و از آنها بفرش میرساند اول ابار آنها را که صورت نداده اند بصورت صحیح نداده اند باز می کنند چه مجازاتی است برای صورت ندادن اینصورت نداده و تخلف از این کار بزرگ کرده این چه مجازاتی شد چه تفاوتی دارد این با آنها که ابار نکرده اند یا ابار کرده اند و صورت صحیح نداده اند این هیچ فایده ندارد بقیه من این قانون خیلی مهم است میگویم بجز تمام ایران و نهادهای و غیره جاری شود اسباب زحمت رعایا نشود و کلیه مردم از این منتفع شوند مالکین و مستأجرین حقوق خودشان را ایفا نمایند که حقوق آنها ضایع نشود میدانید همه نصف ملت جلای وطن ایرانیان و افغانستانی که در ولایات میشود ارجح است باین احتکار این مطلب باین مهمی را نمی شود باین دو چه رفیع کرد این را باید یک ترتیب صحیح داد و طوری کرد که در اجرا اسباب زحمت ضعیف و ناتوانی حاصل شود از برای مملکت و از برای ضعیف و فقرای مملکت والا فو کلاه قانون نوشته و معین کردن که حکومت و بلدی برون صورت بگیرند باین ترتیب بنده گمان نمی کنم فایده داشته باشد بلکه کاری که برای ضعیف نمیشود بعکس اسباب زحمت آنها فراهم میشود.

معزز الملک - بنده وقتی که این ماده تالیف نوشته شده بود بدون اصلاحاتی که آقای مخبر فرمودند مخالف بودم و حقیقتاً این اصلاحات آقای مخبر مخالفت بنده را بیشتر کرده بجهت اینکه در اصلاحات نوشته اند با حضور مدعی العموم فرمایند بدانم در چند نقطه مملکت ما اداره مدعی العموم داریم که ابارها موکول کنیم بعضی مدعی العموم بنده در این ماده در نظر دارم یکی آنکه اگر مجلس تصویب و موافقت بکنند این ماده بر گردد بکمیسیون بجهت اینکه در این ماده در مجلس هر چه مذاکره شود نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد برای اینکه بنده بکمیسیون عرض خواهم کرد دیگری یک پیشنهاد و هیئتطور پیشنهادهای مختلف بقدری پیشنهاد خواهد شد که یک چیزی از آراء متفق نخواهد شد پس این نظر اول بنده است که اگر آقای مخبر این نظر اول بنده را قبول کنند و برگردانند بکمیسیون که در اینجا اصلاحاتی شود عرض دیگری نخواهم کرد و اگر این عرض بنده را قبول نفرمایند ماده را مسترد ندارند بنده یک پیشنهادی کرده ام که ثابت درجه رفیع بعضی محظورات را خواهد کرد بپوشند هرگاه پس از تفتیش و تحقیق بر حکومت و بلدی به محقق شده که کی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتی که داده ابار کرده حکومت حق دارد بقول خودش تصور کرده و یک حکم درباره آنها کرده و این غلط است برای خودش دو حکم لازم است یکی ممکن است اصلاح صورت ابار خودش را نداده البته با آن کسی که صورت ابار خودش را داده ولی صورت حقیقی را نداده در یک حکم نیست بجهت اینکه آنکه صورت نداده از حکم کلی تخطی کرده است لکن این صورت داده از حکم کلی تخطی نکرده است آنوقت در مجازات ابار هر دو را حکومت حق دارد بفروشد اگر میخواهند یک مجازاتی قرار بدهند آن مجازات یک چیزی است که اینجا نیست علاوه بر اینکه فروختن مال غیر فقط بواسطه این تفسیر که صورت جنس خودش را نداده این یک مجازات بزرگی است که تصور نمیکنم آنرا

توان در حق او جاری کرد علاوه بر اینکه موافقت با شرح که ندارد ولی این پیشنهادی که بنده داده ام در صورت دوم که اضافه بر آن مقدار بیکه صورت داده است ابار کرده مثلاً بیست خروار ابار و ۱۸ خروار صورت داده این را نمی توانیم بگوئیم تمام آن بیست خروار را بفروشد بنده پیشنهاد کرده ام که این قدر زیادی که عبارت از آن دو خروار است آنرا بفروشد بجهت اینکه در اینصورتی که بگوئیم تمام آن جنس را بفروشد ممکن است در موقعی باشد که جنس خریدار نداشته باشد آنوقت بکسر رونق العاده باو وارد خواهد آمد مقصود اینک این ماده خیلی خیلی غلط است و خیلی اسباب زحمت خواهد شد بنده یک اصلاحی پیشنهاد کرده ام ملاحظه فرمایند.

نیر السلطان - میخواستم عرض کنم که بنده یکی از اعضاء کمیسیون هستم و کمیسیون از این مدعی العموم که در اینجا اضافه شده است ابتدا اطلاعی ندارند این را گویند آقای افتخار الواعظین زیاد کرده است.

افتخار الواعظین - خیلی بد است که شخصی که یک مسئله را دوست تحقیق نکرده است در مجلس شورا بملی یک نسبتی بیک نماینده بدهد اما بشما عرض کنم قوانینی که وضع میشود بآن شکلی که از کمیسیون خارج میشود بآن شکل بمجلس نمی آید باید بنظر مبارک آقایان برسد (اشاره بجای امام جمعه و آقای مدرس شد) و هر ملاحظه که بنظرشان میرسد بنمایند آنوقت اصلاحاتی که بنظر آقایان رسیده است و آن لفظ مدعی العموم را آقایان زیاد کرده اند آن اصلاحاتی هم کدر بعضی مواد شده است از طرف بنده نیست وظیفه خود را میدانم وظیفه بنده که مخبر کمیسیون هستم این نیست که چیزی برای آوردن که از کمیسیون آمده است بفرایم یا کم کنم ولی عرض میکنم تمام تغییراتی که داده شده است تعلم آقایان است حالا مجری میشود یا نمی شود صحیح است یا صحیح نیست ابتدا بطبی بنده ندارد.

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم بنده هم با آقای معزز الملک هم با ماده مخبر بجهت اینکه میگویند هر که را یک مجازات قرار داده اند یعنی از برای هر دو قسم چه آنها که اصلاً صورت نداده اند چه آنها که صورت را کمتر از میزان که ابار کرده اند داده اند اینهم ابتدا ضرری ندارد برای اینکه آن جنس را که ابار کرده و محتاج بآن نیست بیآورند بفروشد چه ضرر دارد چه صورت نداده باشد چه صورت داده باشد کمتر صورت داده باشد.

رئیس - بنده در باب ماده اجازه دادم که اگر نظری دارید فرمایند نه اینکه اگر اعتراضی به اظهار آقای معزز الملک بنظرتان رسیده بیان کنید.

حاج سید ابراهیم - از بابت ماده عرض میکنم چون لفظ مباشر را کتند زیاد شود بجای حکومت محل در ماده اول بنده عقیده ام این است که لفظ حکومت محل را زیاد کنند که شامل حکومت شهرها هم بشود علاوه بر همه جا حکومت محلی و بلدی نداریم بنده خواستم عرض کنم که فقط لفظ ریش سفیدان را هم زیاد کنند که با حضور چهار نفر از

۲۰ خروار زیادی دارم در موقع حاجت اگر چنانچه حکومت احساس تنگی غله کردید مردم محتاجند موافق آن صورت با ابار دارا اخطار می کند که جنس خودشان را مطابق صورت بیکه داده اند و معین کرده اند فلان قدر زیادی است آنرا بفروشد مثلاً در همین فرض که کردم آن ۲۰ خروار زائد را میگویند بفروش و اما اینکه آقای زنجانی می فرمایند که از پنج فرضی باید بیاید من یک خروار جنس خود را فروخته ام این اعتراض وارد نیست بجهت اینکه آن فقط مباشر را که بنده قبول کردم برای این بود که این اشکال را نقرمایند و او ۲۰ فرسخ نیاید بنده که گمان می کنم برای منع احتکار بهتر از این قانون نتوانیم وضع کنیم و از طرف کمیسیون از تمام آقایانی که بعد از این جا تشریف خواهند آورد و مذاکره خواهند کرد و خواهند فرمود که این قانون خیلی کوچک است استدعا میکنم هر پیشنهاد اصلاحی بنظرشان میرسد بپوشند بکمیسیون قبول خواهند کرد.

حاج شیخ رئیس - بر واضح است که هیچ صاحب وجدانی در موقعی که قانون منع احتکار بنده کرده می آید البته نباید طوری حرفی زد که شبهه بغاظر بعضی حاصل شود که حاوی احتکار یا معکوسین است بخصوص در حق بنده که بجز خرمن موخوشه پردین که آن هم بدو جو مالک هیچ میززه نیست و خیلی مایلم که آنرا مثل قانون منع احتکار بمجلس بیاید و وضع شود.

منع احتکار در نظر بنده از منع احتکار خرمن و غیره خیلی اهمیتش بیشتر است و برای اینکه بدانند که این دعوا را از روی برهنگی و میزانی عرض میکنم استدعا میکنم کسانی که متوجه بنده احتکار و حکر هستند و اطلاع از لغات عربی دارند در لغت نگاه کنند هیچ لغتی را ندیده ام در صحاح و قاموس و غیره از کتب لغت که باین شدت معنی آمده باشد در قاموس در حکر میگویند اصلاً العاشره والظلم والنجاه و استبداد قاموس را بخوانند پس بنده با اینکه این کلمه را بطور برای اطلاع و استحضار نمیدانم گمان میکنم معنی کرده ام هیچ نمیتواند نمایندگان محترم نوبه فرمایند که بنده عامی احتکار و معکوسین باشم لکن متأسفانه بنده عرض میکنم نه باین ماده که مطرح است مخالفت و ضدیت دارم بلکه اجرای این قانون را در ولایات اسباب ضرر و حرج میدانم و وسیله بکشیشانی و مزید درماندگی برای فقرا و ضعیفان و ضرر این عاید همان فقرا و ضعیفان که ما خودمان را حامی آنها میدانیم خواهد شد و اینهم مثل سایر قوانین که من آنها را مقدس می دانم لکن در مقام اجرا طوری رفتار کردند که مردم از قانون و از مقنن بکلی بیزارند.

معزز الملک - بنده هم موافق با آقای حاجی شیخ رئیس و با ماده مخالف میگویم تصویب نمیکنم این ماده را عرض می کنم که این ماده برود به کمیسیون.

حاجی سید ابراهیم - آن ماده اول گویا قبول شد این ماده هم منتم آن ماده است برای اینکه در اینجا بنده که باید از جنس خودش صورت بدهد

اگر بنا شد از جنس خودش صورت بدهد آنوقت باید از آن مقداری هم که بفروشد صورت بدهند نمیشود گفت جنس خود را بصورت بده اما آنچه بفروشی صورت ندهد این مورد ماده که هیچ اشکال ندارد بنظر بنده همین ماده است این تهمه ماده اولی است و هیچ اشکالی ندارد.

بهجت - فلسفه این قانون را که نگاه کنیم می بینیم که برای سهولت کار است که بقرا خوش بگذرد و بدیهی است که این در چه موقعی بدرد خواهد خورد در موقعی که گران باشد در کجا اجرا میشود در تمام ایران و در تمام ایام و حال اینک ممکن است گران در یک نقطه یا در یک زمان مخصوصی باشد و ما یک زحمت فون العاده بپردازیم و در تمام ایران در تمام ایام اینک در یک زمان مخصوصی بپردازیم در تمام ایام اینک می خواهیم رفع یک زحمتی از آنها بکنیم در یک زمان مخصوص و در این مواد یکی یکی که نگاه می کنیم العائناتی را که گذشته است و رفته است در کمیسیون کاری ندارم مثلاً همین جا اجمال دارد نمی دانم چرا و برنج داخل است یا داخل نیست چون بعضی جاها داخل در جنس است از این گذشته این ماده باین ترتیبی که نوشته شده است مردم را مجبور بپوشی تکلیفات می کند یکی این که باید تحصیل سواد کنند اینک اطلاعات خودشان را کتباً بدهند و یکی دیگر از تکلیفات فوق العاده اینک باید یک دفتر هم داشته باشند که اگر جنس خودشان را فروختند در آنجا بنویسند و چهار تا شام هم بگیرند برای اینکه وقتی که از ایشان مطالبه می شود اگر بگویند تمام گذشته را فروخته ایم که از آنها قبول نخواهند کرد برای خاطر این که این باید بپوشی تحقیق برسد که این سورتی را که داده است صحیح است یا نه و ممکن است اسکویند دروغ می گویند یا این که بآن کسی که فروخته نشان بدهد ما اینجا نوشته ایم که هر چه گفتند صحیح است و بدیهی است که در این صورت چقدر اسباب زحمت مردم خواهد شد پس بنده تقاضا می کنم که اینها برود بکمیسیون و یک چیزی نوشته شود که ببرد مردم بخورد والا این مواد دارای مضرات فوق العاده خواهد بود و اگر چیزی را که ما اینجا می خواهیم خرج بکنیم همانها را اگر هم از خارج بخریم و بیآوریم مردم بپوشی خیلی بهتر از این خواهد بود و رفع گرفتاری آنها را خواهد کرد.

افتخار الواعظین - خیلی خوب بود که در وقتی که در این مواد مذاکره میشد و جمعی از آقایان و خود آقای بهجت هم در کمیسیون تشریف داشتند و در حضور مبارک ایشان در این مواد مفاکره شده بود بنده نمی دانم این احتمالات غریب و عجیب از کجا تولید می شود این قانون می گویند که شخص بنده امروز صد خروار غله دارم آنقدر خروار را وقتی که حمل بآبار می کنم بکومت یا بیافر یا بلدی می گویم که من پنجاه خروار غله حمل کرده ام سی خروار از برای خودم بیست خروار دیگرش زیادی است دیگر احدی در مقابل این حرف و سورتی که میدهند حق ندارد که هیچ چیزی از او مطالبه کند و اما در باب

افتخار الواعظین - خیلی خوب بود که در وقتی که در این مواد مذاکره میشد و جمعی از آقایان و خود آقای بهجت هم در کمیسیون تشریف داشتند و در حضور مبارک ایشان در این مواد مفاکره شده بود بنده نمی دانم این احتمالات غریب و عجیب از کجا تولید می شود این قانون می گویند که شخص بنده امروز صد خروار غله دارم آنقدر خروار را وقتی که حمل بآبار می کنم بکومت یا بیافر یا بلدی می گویم که من پنجاه خروار غله حمل کرده ام سی خروار از برای خودم بیست خروار دیگرش زیادی است دیگر احدی در مقابل این حرف و سورتی که میدهند حق ندارد که هیچ چیزی از او مطالبه کند و اما در باب

تحصیل اینکه من بیست خروار غله زیادی دارم این از کجا لازم است که برون تحصیل سواد بکنند مالیات را سال ها است که مردم میدهند و هیچ وقت برای دادن آن ها محتاج تحصیل سواد نشده اند از این گذشته این قانون تمام نظرش بوقت حاجت است میگوید در وقت لزوم یا یک هیئت مصدغه بنده خیلی مایل بودم که آقایان تمام این مواد چهار گانه را مطالعه می فرمودند و بعد از مطالعه این مذاکرات را می فرمودند نه اینکه در ضمن مذاکره مطالعه فرمایند ماده را بنده میگویند در موقعی که هیئت مصدغه کمی جنس و حاجت مردم برای ازیان لازمه شهر نماینده حکومت باید مطابق صورتی که از ابارداران گرفته شده و در کتابچه مخصوصی ضبط است اخطار کند می نویسد فلان اشخاصی که در تهران ابار دارند و این قدر هم صورت داده اند مطابق این صورت ده دو یا ده سه غله خودتان را بفروشید اگر فروخته که آنها و الا مطابق قانون شرع مطهر اورا مجبور میکنم بفروشد و اگر باز هم فروخت آنوقت خود را کم میروند

معزز الملک - بنده همین فرجه را بخواهم در جواب آقای افتخار الواعظین عرض میکنم که ایجاد یک همچو اداره تفتیش برای رسیدگی اگر خیلی سهل و آسان بود خوب بود در این مدت این جدیت را برای تأسیس اداره تفتیش وزارت مالیه میکردند بیش از این سعی و اصرار نکنند که این قانون یکی از قوانین مشکه خطرناکی است برای رعایا و فقرا و بنده کتباً تقاضا کرده ام که بر گردد بکمیسیون داخله که بعضی جدید کمیسیون داخله تجدید نظری در این لایحه بکنند و قانناً بمجلس پیشنهاد نمایند که قابل اجرا باشد و الا وضع قانون خیلی کارساز است و در انتظار مردم هم جلوه میکند لکن موقوف عمل را باید در نظر گرفت که آنوقت شما پش راه داخلی برای مباشرین و مأمورین و متنفذین جزء دهات ایجاد خواهید کرد.

رئیس - تقاضای است از طرف آقای معارضه الملک شده است خوانده میشود [قرائت شد].

قانون منع احتکار از ماده ناله بیعت رجوع شود بکمیسیون داخله که در آن تجدید نظری شده تا بنده بمجلس پیشنهاد نمایند.

حاج سید ابراهیم - بنده با این تقاضای آقای معارضه الملک مخالفم.

رئیس - اول باید ببینیم که مذاکرات کافی است یا خیر.

(گفتند کافی است).

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که لابد این باید دو شود در آن بشود و این شود اول است و معنی شود اول این است که بعضی نظریات در آن معلوم بشود و برود بکمیسیون و در شود دوم رای گرفته شود از این جهت بنده مخالفم با

ابراهیم خان بیارت ذیل فرات گرفتند در خصوص دریافت نمودن حقوق دولتی میباشند ثبت نمایند. اسناد را در نوع و طبقه که طرفین اظهار می دارند قرار دهند و همچنین نباید بواسطه تأویلات و تفریبات خودسرانه آنچه را که از مفاد عبارات اسناد مفهوم نمی شود فرض نمایند بلکه باید نوع حقیقی را ملاحظه فرار دهند.

(ماده ۱۲۳ از پیشنهاد کمیسیون را آقامیرزا ابراهیم خان بیارت ذیل فرات گرفتند)

در خصوص دریافت حقوق دولتی میباشند ثبت مکلف نیستند اسناد را در نوع و طبقه که طرفین اظهار می دارند قرار دهند و همچنین نباید بواسطه تأویلات و تفریبات خود سرانه آنچه را که در مفاد عبارات اسناد مفهوم نمیشود فرض نمایند بلکه باید نوع حقیقی اسناد را ملاحظه فرار داده موافق تره حقوق دولت دریافت کنند

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم به ماده ۱۲۴ کمیسیون بطریقیکه فرات شد آقابانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند - با اکثریت ۴۳ رأی تصویب شد)

ماده ۸۵ - از لایحه وزیر مباشر ثبت حق دارد صحت اقراراتی را که در حضور اومی شود و همچنین صحت مندرجات اسناد را باندازه که راجع باشد حقوق دولتی است تقشیر و تحقیق نماید

ماده ۱۲۴ - از پیشنهاد کمیسیون مباشر حق دارد صحت اقراراتی که در حضور اومی شود و همچنین صحت مندرجات اسناد را برای حفظ حقوق دولتی تقشیر و تحقیق نماید

رئیس - این فصل یازدهم را منسوخ می دارد وزیر عالییه - بلامسترد می کنم

رئیس - در ماده ۱۲۴ مخالفی نیست رأی می گیریم بماده ۱۲۴ آقابانی که موافقت قیام نمایند

[اغلب قیام نمودند با اکثریت ۴۴ رأی تصویب شد الحاقی بجای فصل یازدهم]

ماده ۱۲ - ترتیب محاسبات اداره ثبت اسناد و تقشیر آن موافق محاسبات عمومی دولت است و وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه دستور العمل اجرای مراتب را ابلاغ می نماید

رئیس - مخالفی نیست رأی می گیریم آقابانی که موافقت قیام نمایند

[اغلب قیام کردند - با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد]

(باب سیم در مجازات اجرای اداره ثبت و مقرری آنها)

رئیس - عرض می کنم چون این یک چیز تازه است در شور اول این هیچ نبوده است این است که دوشور باید بشود این را شور اول قرار می دهیم یک شور دیگر هم میشود

[فصل اول در مجازات]

ماده ۱۲۶ - اجزای اداره ثبت اسناد در صورتی که یکی از افعال مفصله الذیل از آنها ناشی شود در حکم اشخاصی می باشد که در خدمت دولتی تقلب

کرده اند اول در صورتی که اسناد معمول با محکوک و قلم رفته را عالمیاً مامداً قبول کرده ثبت نمایند. دوم سند معامله را در قیاب اصحاب معامله بدون حضور و کلاهی ثابت الی و کاله آنها ثبت نمایند سیم سند برای اسم اشخاص موهم با علم موهم بودن آنها ثبت کنند

چهارم - تاریخ صندی را در ثبت مؤخر بگذارند یا تاریخ ثبت صندی را در دفتر مقدم نمایند پنجم - قسمتی از دفاتر خود را بپنهان یا مفقود و یا ممدوم کنند یا صفحه را از دفتر بکشند و یا چله و تزویر نمایند که نظیر تقلبات مذکور باشد

ششم - دفاتر را بر باشند یا پاک کنند برای آنکه بجای کله کله دیگر بنویسند و یا کله حذف کنند در کله موارد مذکور مرتکب از شغل خود مزول و بهیچ خدمت دولتی دیگر قبول نخواهند شد بملایه از دو الی چهار سال بسته با اهمیت تقصیر و نتایج آن محکوم بحبس میشود

حاج سید ابراهیم - بنده در فقره اولش که اسناد محکوک یا معمول با قلم باشد اشکال دارد بجهت اینکه بعضی اسناد هست که متن از حک شده و اصلاح شده ولی در سجل او تصریح شده است که فلان کله در سطر چندم فلان اصلاح شده و معتبر هم هست این است که سند از اعتبار نیافتد اگر بنا باشد که همچو صندی را عالمیاً قبول کنند و بنویسد لازم است این است که این طور سند در اداره ثبت اسناد ثبت نشود دیگر آنکه در فقره سیم می نویسد صندی با اسم اشخاصی موهم با علم موهم بودن آنها ثبت کنند در آخر فقره سیم می گوید بسته با اهمیت تقصیر و نتایج آن محکوم بحبس میشود باید اینجا و گذار کنیم بنظر یک کسی یا بنظر وزیر یا محکمه و اهمیت تقصیر را مهم و ا گذار کردن صحیح نیست این را باید همین کرد که بنظر کی باشد

آقا شیخ ابراهیم - آن فقره اولی که فرمودید معمول یا محکوک و قلم رفته مقصود محکومگی است مقشوشی شده باشد والا محکومگی که صاحب اطلاع دارد و در سجل امضاء کرده اند و طرفین هر دو تصدیق دارند که اصلاح شده آنرا نمی گویند محکوک یعنی یک چیزی حک شده است و قلم رفته است یعنی یک چیزی را داخل کرده اند اما راجع با همیتی که فرمودید این یک چیزی است که هر کجا این را می نویسند دیگر محکمه را نباید ذکر بکنند بجهت این که برای این یک باب مفصلی خواهند نوشت مجازات ها را که فلان صاحب تقصیر بسته با اهمیت تقصیر از فلان درجه تا فلان درجه معین می کند یعنی محکمه دیگر این ذکر نمی خواهد والا در هر ماده باید ذکر بکنند که محکمه باشد قانون مجازات عدلیه یک قانون مفصلی است آنجا خواهند نوشت فلان صاحب تقصیر محکوم بچند سال حبس صاحب فلان تقصیر از فلان قدر فلان مقدار حبس دیگر این جزئیات را لازم نیست که در اینجا بنویسد یعنی بنویسند محکمه و بعضی اصلاحات لازم دارد اگر دیگری نکند خودم عرض می کنم

افتخار الوعظین - بنده اینجا در آن شرط سیم که می گوید صندی را با اسم اشخاصی موهم با علم موهم بودن آنها ثبت کنند نمی دانم علم موهم بودن چرا باید نوشته شود بآن قبودات و شرایطی که سابق کردیم که معرفت بیاورند بنشانند دو نفر مطلع بیارند و کمیرا که شناسند سندش را را ثبت نکنند صحت او را بدانند باید اولاً علم هویت او پیدا کند او را بشناسد دیگر علم موهم بودن آن زیاد است بجهت اینکه اگر آن مباشر بوظایف خودش رفتار کرده باشد ممکن نیست صندی با اسم اشخاص موهم ثبت شده باشد بجهت اینکه اگر معرفی شده باشد مطلقاً آمده باشند که تشخیص هویت او را داده باشند و تمام وظایف خود را انجام داده باشد که صندی با اسم اشخاص موهم ممکن نیست ثبت شده باشد وقتی که صندی با اسم اشخاص موهم ثبت شد معلوم میشود که آن مباشر در اداء وظایف قانونی خودش یک تقصیری کرده است پس علم موهم بودن را اینجا هیچ لازم نیست که مباشر قرار بدهیم همین قدر که صندی با اسم اشخاص موهم ثبت شد معلوم میشود او در اداء وظایف خودی تقصیر کرده است یعنی تعقیب هویت او را ننموده است مطلقاً را نخواست و باید این مجازات در باره او مجری شود و بنده این شرط را زیاد می دانم

آقا شیخ ابراهیم - ما اجرای تقصیر را در نظر داریم تقصیر اینست که آن کارهایی که باید در تعقیب هویت او بکنند نکرده اند والا تعقیبات را کرده آن آدمها آمدند گفتند این فلان آدم است این تقصیر نیست تقصیر این است که بعداً شخص موهمی را با اسم صندی ثبت کرده والا ندانسته صندی را ثبت کرده و این تقصیر نیست و مجازاتی ندارد

آقا سید حسن مدرس - فرض این است که تقصیر را اینجا نوشتن خیلی صحیح است ولی چون مستخدمین ثبت اسناد داخل در اجراء عدلیه هستند باید قانون مجازات را موقوف کرد بآن مجازاتی که از برای سایر مستخدمین عدلیه معین میشود مطابق آن باشد

بجهت - تقصیراتی که از اعضاء ثبت اسناد ممکن است صادر شود دو قسم است یک قسمش قضاة تقلب حساب میشود مثل اینکه یک چیزی را حک کنند یا کم وزیاد کنند ولی بعضی چیزها هست که ممکن است در آنها اشتباه بشود مثل اینکه تاریخ سند را پس پیش بگذارند یا چیزی از قلم بیفتد در آنجا که قطعی است بدیهی است تقلب است و تقصیرش معین است لکن جای دیگری که چیزی از قلمش افتاده است ممکن است ادعا کند اشتباه کردم و چون ممکن نیست اشتباه خودش را اثبات کند محکوم میشود و ممکن است زائد مدار عوارض و اقتضات شخص و آن حکم کلیت پیدا میکند در اینجا از دو سال الی چهار سال محکوم بحبس شدن زیاد است ممکن است در نوشتن یک واژه یا یک یا تاریخ را عوضی بگذارد و در اینصورت او هم نمیتواند ثابت کند که اشتباه کرده ام و محکوم میشود این بایست هم محکوم شود اما باید در هر چه موارد این را بنظر محکمه قرار

بدهیم یعنی قطعی بکنیم حتماً دو سال یا از دو سال بیایا باید باشد یک از بعضی را که پس و پیش بگذارد نباید محکوم بدو سال حبس بود کلیتاً اینها را باید بنظر محکمه واگذار کنیم البته محکمه وقتی که این شخص را معاینه میکند در ضمن خودش یک چیزی میفهمد ممکن است بداند اشتباه کرده است آنوقت ممکن است یکجا محبس برای اشتباهی که کرده است فرار بدهد و این دو سال زیاد است

وزیر عدلیه - اولاً در باب ابرادی که آقای مدرس فرمودند در باب مجازات این مجازات و تقصیرات اداری است و باید در ضمن قوانین مجازاتی که برای اجزای عدلیه نوشته میشود باید نوشته شود این صحیح است ولی تا وقتی که قوانین عدلیه بمجلس بیاید و از مجلس بگذرد و خیلی طول میکشد بنده صریحاً عرض میکنم که اگر امروز این قانون از اینجا نگذرد و مجازات این اشخاص معین نشود این زحمتی که کشیده شده در این قانون نوشته شده این قدر وقت مجلس تصبیح شده هیچ فایده ندارد - برای اینکه قانون یک حکم کلی است و در وقت نشر آن نسبت بآن حکم کلی باید یک مجازاتی باشد و اگر بآن عمل نشود اقدام شود و عمل شود یعنی مجبور کند مردم را که باین ترتیب رفتار کنند هر قانونی که این در آن نباشد آن قانون قانون اخلاقی است نه قانون حقوقی و اینجاما خواستیم که قانون اخلاقی بنویسیم که بدون مجازات بماند ما این تکلیفی را که معین کرده ایم برای مباشر ثبت که اینطور اطلاع پیدا بکن این حقوق را بنویسد اگر نکرده آنوقت این مجازات را نخواهی داشت این حقوقی که از برای معین کردیم داین مراتب و مشاغل و امتیازات در مقامش البته یک مجازاتی باید داشته باشد و اگر بتکلیف خودش رفتار نکند چه باید کرد و اگر مجازات با بدهیم بگوئیم حالا لازم نیست باید صبر کنیم تا بیست سال تا وقتی که قانون مجازات عدلیه از مجلس گذشت یعنی مجازات اینها را معین نکنیم آنوقت این اجرا شود این یک مطلب دیگری است بسته است برای مجلس دیگر این یک مطلبی است ولی اگر بخواهید که امروز وزیر عدلیه مجری این باشد و از اجری بخواهید بنده عرض میکنم که هیچ وزیر عدلیه بدون این مجازات بخصوص این فصل سیم نمیتواند از عهده اجرا بر آید و همچنین بنده این را اختصاص میدهم باینجا بلکه عرض میکنم که از هر چیزی لازم تر امروز این است که هر چه زودتر یکی از کارهایی که باید بمجلس بکنند این است که قانون مجازات عرفی را که مطابقت داشته باشد با قانون مجازات شرع انور ما باید ترتیب داده زودتر بگذارند زیرا شما تا وقتی که قانون مجازات انان را ننویسید ترتیبتان همین است که امروز است برای هر اداره که قانون معین میکند مجازاتش هم باید پشت سرش باشد والا یک دستور العمل اخلاقی است اما در باب این اعتراض که شد که آقای بجهت فرمودند که این نباید نوشته شود از یکسال تا دو سال و باید بنظر محکمه گذاشته شود بنده از نظر محکمه حرفی

ندارم البته اینجا ملاحظه میفرمائید که نوشته شده است از دو سال تا چهار سال لکن نمیشود در تمام جاها در تمام موارد و مصدق یک تغلف قانونی را معین کرد و یک مجازاتی برایش معین کرد که طایق العمل بالنظر رفتار کند همیشه و او در مصدق مختلف است و این را میگذارند بنظر محکمه ولی مقنن باید حد اقل و اکثر را معین بکند بگوید از دو الی چهار سال از یک الی پنجاه که آن قاضی از حد اقل و اکثر خارج نشود حالا ما بین این اقل و اکثر بسته بنظر حاکم است او موافق مقتضیات را میسند و ملتفت میشود که چه قسم باید رفتار بکنند و موافق قانون باید چقدر حکم بکنند وقتی که نوشته شد که از دو سال الی چهار سال یعنی از دو سال و چهار ماه دوسه سال دو ماه دو سال هشت ماه الی سه سال و نیم الی چهار سال بسته بنظر محکمه باید مجازات ببیند و حبس شود اما او در طرف حداقل نمیتواند هیچ ماه حکم بکند و نمیتواند در طرف حداکثر چهار سال دو ماه معین بکند این برای این است که یک حد اقل و اکثری معین کند که از آن حدود خارج بشود پس خودش هر دهمه تغییر و حکم نکند یک چیز دیگری معین کرده اند که آن استیفاء و تمیز است که در یک مواردی استیفاء بدهد و در یک مواردی تمیز بدهد که او نتواند بمیل خودش یک تقصیری بکند اینجا یک حد اقل و اکثری معین کرده اند که نباید از آن حد خارج بشود بانی بسته بنظر حاکم است اما آنکه میگویند چرا اینجا نوشته است برای اینکه تشکیلات محکمه که نوشته شده در ماده چهارم بنظر من در نظر نیست اگر ملاحظه بفرمائید ما یک ماده نوشتیم که کلیه مباشرین و مدیران اداره ثبت اسناد و اجزای این اداره در تقصیرات اداری و در موارد جنحه و جنایت در حکم مستخدمین عدلیه هستند و باید در محاکم عدلیه محاکمه بشوند مستهایش این است که در تقصیرات جزئی اداری در محاکم اداری محاکمه می شوند و در تقصیرات مهمه که راجع بجنحه و جنایت داین قبیل تقصیرات است راجع می شود به محکمه عمومی

حاج امام جمعه - فقره چهارم خیلی مجمل است خوب است توضیح بدهند

رئیس - آقابانی که اجازه خواسته اند خیلی هستند و اول هم است اگر اجازه میدهند کرات را ختم میکنیم دو فقره اصلاح هم شده است خواننده می شود

(۱) - پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم خان بمضمون ذیل فرات شد

این بنده پیشنهاد میکنم که مدت حبس در ماده ۱۲۶ قانون ثبت اسناد از شش ماه الی یک سال مفرد شود

(۲) - اصلاح آقای نیر السلطان بیارت ذیل خوانده شد

اصلاح - در عوض از دو سال الی چهار سال از شش ماه الی چهار سال محکوم بحبس خواهند شد

رئیس - رای می گیریم اول در اصلاح آقای نیر السلطان که از شش ماه الی چهار سال پیشنهاد

اصلاح - در عوض از دو سال الی چهار سال از شش ماه الی چهار سال محکوم بحبس خواهند شد

کرده اند آقابانی که این را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند رد شد)

حاج آقا - باید آقابان ملتفت این معنی باشند که این سه ماده که اینجا نوشته شده و تقصیر اعضاء گرفته شده و در مقابل آنها مجازاتی قرار داده شده و این سه تقصیر را که معین کرده اند اگر مجازاتش خیلی سخت نباشد و مباشر خیلی دچار نباشد یک اشتباه یا بیگانه سبوی چه بسا که با مشکلات بزرگ که راجع با ملک و دارائی مردم است مبتلا خواهیم شد و چه بسا حقوق مردم تلف خواهد شد بجهت اینکه چه بسا همانطوریکه آقای بجهت فرمودند یک تاریخی را مقدم و موخر بنادد ولی چه بسا میشود که از یک تقدیم و تاخیر یک میلیون یک کرور یا کم و بیش یک کسی ضرر وارد می آید و ما هر قدر بنوایم مجازات را سخت تر قرار بدهیم برای اینکه مباشر ثبت اسناد بیشتر در این خصوص مدافه بکند و ملاحظه داشته باشد زیاد نخواهد بود و بنده از اینجست پیشنهاد کمیسیون را خیلی پیشنهاد خوبی میدانم و گمان می کنم ظلمی وارد نیامده مگر در موارد مباشر یعنی که اشتباهی در یک مواردی کرده اند و البته مباشر ثبت که این مجازات را ببیند حواس خودش راجع خواهد کرد که همچو اشتباهی نکند

رئیس - رای می گیریم با اصلاح آقای آقامیرزا ابراهیم خان آقابانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند رد شد)

ماده ۱۲۷ - کمیسیون هر گاه اجزای اداره ثبت اسناد صندی را بدون تحقیق هویت یا صلاحیت اصحاب معامله یا و کلاه آنها ثبت کنند از شغل خود مزول و دیگر بهیچ شغل دولتی قبول نخواهند شد [رجوع بماده ۵۹ در ماده ۶۳]

حاج آقا - این ماده گمان میکنم که همان ماده سیم قبل باشد یعنی جزء سیم ماده قبل که بیان شد و آقای افتخار الواعظین هم اعتراض کردند و آقای مخبر هم جواب دادند که اگر بوظیفه خودش عمل نکرده باشد تقصیر کرده است اگر همان است تصور میکنم آن جزء باید حذف شود و این بماند

باینکه آن حذف شود و آن بماند آن جزء اصلاح شود اگر این ماده یک چیز دیگری باشد مجازاتش هم این باشد که اگر تحقیق هویت اصحاب معامله نکرده و صندی را ثبت کرد باید از استخدام دولتی بیرون رود و مجازات دیگری ندارد بنده والا کم میدانم و اگر بدون تحقیق هویت ثبت کرد آنوقت آن جزء سیم ماده قبل را یکی لغو میدانم این دو تا را باید آقای مخبر توضیح بدهند

آقا شیخ ابراهیم - یک ماده برگشته است بکمسیون این یکیش متعلق بآن ماده است آیا تحقیق صلاحیت اصحاب معامله لازم است یا خیر شخص سفیر است یا خیر قبض کرده یا خودش کرد آن شخص قابلیت معامله داشته یا نداشته هنوز آن اینجا نیامده است مقصود از این این است که هر گاه

تسامح بکنند از تحقیق هويت يمنى آن ترتيبى که لازم است تحقيق هويت را بکنند نکرد يعنى شخص صغير يامجنون بود سند را ثبت کرد و اين تحقيق صلاحيت را نکرده و تحقيق نکرده که آیا داني بود يامجيوش کرده اند اين مثل ماده سابق است بله آن مجازاتی که در ماده سابق است اينجا هم بايد باشد هيچ فرقی ندارد اين تسامح کرده است در تکليف آن قيد هم بايد بشود .

مهر زالملك - اين ماده هم يك تقصيرى است از طرف مباشر ثبت اسناد و تقريباً مثل آن تقصيراتی که در بالا ذکر شد حالا نبيد انهم در معاملات دو مجازات که هيچ شهادت بهم ندارند چرامين شده است در آنجا عزل است و از دو سال الی چهار سال قبل از صدورى که در اينجا هم همان تقصيرات را مرتكب ميشود و قناعت کرده اند به همان اخراج از خدمت بايد بالنسبه به نزديك بودن آن تقصير ها خوب ملاحظه تناسب مجازات بشود در اين جا هم اضافه بر مجازاتی که می بینند بيشتر بر ايش معين بکنند

وزير عدليه - اين ققره ماده ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ما اينشان خيلى توفير است در اينجا ملاحظه می فرمايد که آن اقدامی که می کنند دليل براين است که او عالم و عايد آخودش تقلب کرده است ملاحظه فرمائيد در صورتی که اسناد معمول يامجكوك و قلم رفته را عالمأ و عامداً قبول کرده يا تاريخ سند را مقدم مؤخر کرده است اين ديگر نقاب است يا اين که بکلى قسمتی از دفتر را مفقود يامجموم کرده است با دفاتر را تراشیده يا پاک کرده اينها تمام اعمالی است که نمی تواند در محكمه بگوييد اشتباه کرده ام اينها اماليست که دلائل می کنند بقلب او اما اين ماده ۱۲۷ برای اين است که تحقيق هويت با صلاحيت اسباب معامله يا وکلای آنها را نکرده اولاً اين را اگر نکرده می تواند در محكمه بگوييد من فراموش کردم تحقيق نکردم وثانياً بفرش که ثابت شد که عالمأ و عامداً هم تحقيق نکرده است ببينم که ما در ثبت اسناد چه چیز را معتبر می دانيم امضاء و تاريخ را ما معتبر می دانيم ولی مندرجات سند را ما گفتميم که بآنها نظر نداريم و اين که اينجا نوشته است اين من باب احتياط است تحقيق صلاحيت اصحاب سند آن راجع است بمندرجات سند و در اين قانون هنوز نخواستيم اهميت زياد به مندرجات سند بدهيم در اينجا فقط اهميت می دهيم بتاريخ و امضاء فقط از حيث تاريخ امضاء معتبر است مندرجات سند را درجه دويم قرار می دهيم و اين که اينجا مجازات را کمتر قرار داده ام برای اين است که اعمال ظاهری اين جا نيست که دلائل بکنند بقلب اين است که مقنن آنکس که اين ماده را پيشهاد کرده است فکرش اين بوده است که مجازات اين بايد کمتر از ماده قبل باشد بدو جهت است يکی آنکه در ماده قبل دلائل بر تقلب داشته است ولی در اين جا احتمال دارد که تقلب نباشد اعمال باطنی است نه اعمال ظاهری و ديگر آنکه از حيث مندرجات سند اينقدر اهميت نمی دهيم که بتاريخ و امضاء و آن چیزهایی که نوشته شده است اهميت می دهيم با نيجهت

ديگر اين حيس ندارد ولی از طرف ديگر عزل از خدمت دولتی و عدم قبول او در هيچ خدمتی اين خودش يك مجازات بزرگی است .

حاج آقا - تقييرات آقای وزير هيچوجه بنده را ائناع نکرد بواسطه اين که بنده می بينم که اين ماده ۱۲۷ در بعضی موافق بالنسبه بعضی اجزاء و شرايط ماده ۱۲۸ اهميت خيلى بيشتر اتفاق می افتد می فرمايد که ما مدهم چيز يک در نظر داريم تاريخ و امضاء سند و بعضی چيزهای ديگر است بمضمون سند نظر نداريم و علاوه آن چيزهایی که در ماده قبل بود و مجازات سخت برای او قرار داديم آن چيزهایی که خود آقای مشير الدوله وزير عدليه خود شان تصديق خواهند فرمود اينکار را بکنند در جواز اول که ميگويد از او مجموع يامجكوك با قلم رفته باشد ممکن است که ادعا بکنند که اين سند محكوك بود بنده در مقام ثبت گرفتن دوست ملتفت نشدم اين را ميتواند انکار بکنند حالا انکار کردن او اگر در محكمه از ايتايش عاجز باشد اين يك چيزی است حالا ممکن است اهميتی بانکار او ندهيم آن مدين نظری است که بنده ييش عرض کرده والا اگر مقام انکار باشد ميتواند و همچنين در جزء چهارم که بالنسبه تاريخ ثبت اسناد ميگويد اشتباه کرده ام اين راهم ممکن است ادعا بکنند ولی باز اهميت بانکار او ندهيم بجهت اينکه اهميت ندارد و همچنين اگر سندی بالنسبه با شخص موهوم باشد و ايراد کردند آقای مخبر انطور جواب دادند که معنی اشخاص موهوم اين است که ترتيب معلوم در مقام ايلات هويت نيمنه آنوقت عين همان مطلب در اينجا ميبايد بواسطه اينکه اگر همان شخص تحقيق هويت را نکرده باشد و ترتيب معمولی رفتار نکرده يا تحقيق صلاحيت شخصي را نکرده و آوطيفه را که ميبايستی انجام بدهد نداده آنوقت همان ضرر مائتيکه در مواد پيش وارد ميبايد در مدين جاهم وارد ميبايد زيرا که فرق نيست و قتيبه تحقيق هويت شخص را نکرد مثل اين است که يك شخص ديگری را مبادريم و باسم شخص ديگری يك بلسکي را بفروشد بن و ابتدا هيچ تحقيق نکند بر مبادرد سندی بنويسد و آن بيجاره را در رحمت بيندازد البته بايد بر او معلوم شود که اين کيست بله در حالی که وظيفه او اين بود که اثبات هويت او بشود يعنى بدهد اين شخص فروشد همان شخص است اين هيچ تحقيق نکرد بمجرد اينکه با او اظهار شد برداشت نوشت چه سند چه بيج چه مصالحه چه غير اينها البته اين قلبش واضع است اگر در ماده قبل و تماماً هم انکار بالنسبه واضح است اگر در ماده قبل و تماماً احتمال ميبهد که يك اشتباهی کرده و سهوی شده باشد اما اين يقيناً تقلب است تحقيق کردن از هويت او اين تکليف او است بايد تحقيق هويت بکنند نکرده است اين تقلب است که تحقيق نکرده است بفرمائيد ميگويد که من فراموش کردم تحقيق کنم اين وظيفه مباشر است از او نيست و همچنين در مقام تحقيق صلاحيت يك صغيری ميبايد سندی را ثبت کند نبرد و ببيند اين صغير است با صغير نيست مجنون است يامجنون نيست سفيد است با سفيد نيست اين عيناً همان ماده است و من تصور نميکنم که مجلس کمتر از آنها باشد و همان مجازات بايد در حق او بشود .

رئيس - مذاکرات کافی است ماده ديگر
ماده ۱۲۸ از راپورت کميسيون - هر گاه اجزای

بجهت - آقای وزير عدليه در ضمن بيان فرمودند آن چيزی که منظور نظر است در ثبت اسناد تاريخ و اقرار اوست يعنى مفاد سند منظور نيست يعنى کسیکه مباشر ثبت شده است مفاد سند را منظور خواهد داشت و اگر ما خواسته باشيم که اين مسئله را ضميمه کنيم بايد مفاد سند را هم منظور بداريم و بايد بگوييم که مباشر ثبت بايد عالم بتمام قوانين باشد بجهت اينکه اگر يك سندی را آوردند پيش مباشر ثبت روا ثبت نکرد اين دليل بر بطلان آن سند خواهد شد بجهت اينکه ادرا خلاف قانون دانسته است ميز حقايت سند و بطلان سند خواهد شد و حال آنکه ما همچو مقامی از برای مباشر ثبت قابل نشديم پس وقتی که ما يك همچو مقام و شانی از برای اومين نکرده ايم يعنى مخالف و موافقت قوانين را او معين نکند پس بايد يك همچو مجازاتی از برای او معين کنيم .

وزير عدليه - در اين مسئله گویا درست ملتفت نشده اند بنده لازم است که توضيح بدهم بنده عرض نکرده ام که مفاد سند عرض کردم مشمول مندرجات سند نيست يعنى اگر سندی يك معامله را بياورند پيش مباشر ثبت و تمام اين ترتيبی راهم که نوشته شده است بعمل يياورد تحقيق هويت را بکنند اصحاب معامله و وکلاشان را حاضر بنايد اين ترتيبات تمام صحيح بشود بعد يك خلاف شرعی پيدا شود يعنى اين معامله يك فسادی پيدا می کند اين ربطی

اداره ثبت سندی را ثبت نمايد که مفاد آن مخالف قانون مقرره باشد از شغل خود معزول و بيج شغل دولت قبول نخواهد شد و علاوه از چهار الی هشت ماه محكوم بهس ميباشد .

رئيس - مخالفی هست؟ (انتظار الواعظين بنده ۰)

افتخار الواعظين - اين ماده را بنده با آن ماده ۱۲۶ خيلى مخالف می بينم بواسطه اينکه ميگويد هر گاه اجزاء اداره ثبت سندی را ثبت نمايد که مفاد آن مخالف قانون مقرره باشد از شغل خود معزول و يکی از موادی که برخلاف قوانين مقرر است که سندی را ثبت ميکنند همان مورد ماده ۱۲۶ است يکی از موارد همان است و خود آن ماده هم يکی از قوانين مقرره است آنجا از اير ايش مجازاتی معين کرديم و از دو سال الی چهار سال حيس خواهد شد و به شغل دولتی هم ديگر معين نخواهد شد ولی اينجا نوشته ام از ۴ الی ۸ ماه حيس خواهد شد و حال آنکه سکی از موارد همان قانون مقرر است اين ماده که ذکر شد .

آقا شيخ ابراهيم - سند محكوك با قلم رفته يا جعلی ربطی ب قوانين مقرره ندارد که نبايد مباشر اسنادی را که مخالف قوانين است ثبت بکنند اين آن است مثلا فرض بفرمائيد که يك معامله قماری را ثبت کرده است اين ربطی بصحت سند ندارد که محكوك بوده است خير خوب سندی هم بوده است لکن مضمون او مخالف قوانين است و اين چرا مجازاتش کمتر است چون ضرری بخارج ندارد فقط يك کاری خط و خطائی کرده نماند بلكه يك اثری بر خطای او مرتب خواهد شد هيمنکه اين خلاف قانون را مرتكب شده است مجازات او کمتر است و اين ربطی به ثبت کردن سند محكوك ندارد که در ماده قبل ذکر شد .

رئيس - گویا مذاکرات کافی است يك اصلاحی آقای مدرس پيشهاد کرده اند قرائت ميشود (پيشهاد مذکور بمضمون ذيل قرائت شد) - بنده پيشهاد ميکنم که مجازات حيس در ماده ۱۲۷ و ماده ۱۲۸ تبديل شود باسترداد حقوق کلا و بعضاً بحسب اهميت تقصير

آقا سيد حسن مدرس - چون آقایان فرمودند حيس اين خيلى اصلاح داشت ما اگر از اول مستخدمين را اعلام بکنيم که هر کس خيانتی کرد استعفاء وجهی ندارد و بايد از حقوقش کسر شود زيرا کانه استعفاء حقی ندارد لهذا بعد از آنکه تقبلی از او ظاهر شد همان وجه را از او استرداد کنند و هيچ معظوری هم ندارد و اختلاش هم بحسب اهميت تقصير يك سال دو سال يا کمتر دو ماه حقوقش را استرداد کنند و آنهم بسته است بنظر محكمه و صدمه هم که بر او هست از اين قطع حقوق مستخدمين بعد از اين ديگر تقلب نخواهند کرد و خرجی هم بر دولت متحمل نيست اما اينکه حيس ميکنند مثلا دو سال حيس اين بيگنخرج فوق العاده برای دولت وارد ميبايد که هيچ مانده ندارد اينجا آن خدمات را ديگر ندارد و يک چيزی بگيرد دولت ميبايد هيچ معظوری هم ندارد .

بسا در ثبت اسناد ندارد چون اين سند در اداره ثبت اسناد ثبت شده است حتماً بايد صحيح باشد و نبايد باطل باشد اين مسئله امروزه در مملکت ما صورت نمی گيرد برای اين که اسبابش از برای ما فراهم نيست البته يك وقتی ميشود که ما بتوانيم آن اسباب را فراهم کنيم و بتوانيم اداره ثبت اسناد را بدرجه برسانيم که وقتی که آن سند آنجا ثبت شد ما از مندرجات از حيث معامله هم بتوانيم مطمئن باشيم که ديگر اشکالی نشود ولی اين کی خواهد بود وقتی يك دفتر جنایاتی ترتيب بدهيم و چون بايد کارها ترتيب شود حالا اينطور می نوسيم و البته يك روزی ميرسيم با آنجا که اين کار را هم می کنيم ولی امروز با اين بی اسبابی نمی توانيم آن کار را بکنيم بنده مقصودم از فسادنه آن بوده که اينجا فرمودند مقصود بنده صحت و فساد معامله است که اين خانه را من فروخته ام اين صحيح است يا ناصحيح اما اينکه ميفرمايد مباشر ثبت بايد عالم بتمام قوانين باشد اين يك چيز مسلمی است قوانين شرع ما را هر کسیکه مسلمان است البته ميداند و از اصول و فروع و شرع مستحضر است يعنی اصول دين خود را البته می داند و از روش مسائل شرعی با اطلاع است ميداند کدام صحيح است و کدام قبيح حالا آنديم سر قوانين مملکتی دولت يك نوع معاملات دارد در مملکت خودش قبول نميکنند مثلا ميگويد اسلحه نبايد در مملکت وارد شود جوهر را نمی گذارد در مملکتش داخل شود و بعضی چیزهایی که مضر بمصالح مملکتی ميداند و صورت اينها هم معين است همانطور که گفتم صورت املاک موقوفه و اشخاص ورشکست را بايد صورت داشته باشد و هم چنين املاک ديگری که آن ماده بگوييد رجوع شد و کار هيمنکه دولت جانن نميدانند اعمال اين را در مملکت خودش بياش ثبت اعلام ميکنند و او همچو سندی را نبايد ثبت بکنند مقصود اين است .

رئيس - گویا مذاکرات کافی است يك اصلاحی آقای مدرس پيشهاد کرده اند قرائت ميشود (پيشهاد مذکور بمضمون ذيل قرائت شد) - بنده پيشهاد ميکنم که مجازات حيس در ماده ۱۲۷ و ماده ۱۲۸ تبديل شود باسترداد حقوق کلا و بعضاً بحسب اهميت تقصير

آقا شيخ ابراهيم - آن اولی مطالبی بود که سند را از اعتبار ميانداخت سند کالعدم می شد ولی اينجا آن ضرر متوجه نيست سند بجای خودش باقی است اعتبارش هم باقی است نهايت بايد بدبکری اطلاع ندهد داده است و لايت ترتيب سند هيچ ضرری وارد نشده است اين کانه يك چيزی است که شايد اسباب دعوائی بشود والا اين يك تقبلی و خيانتی نيست بآن درجه اول و اين مجازات هم کم نيست از خدمت معزول ميشود و ديگر بخدمتی قبول نمی شود و علاوه حيس هم می شود بعضی اينکه مضمون سند

آقا شيخ ابراهيم - آن اولی مطالبی بود که سند را از اعتبار ميانداخت سند کالعدم می شد ولی اينجا آن ضرر متوجه نيست سند بجای خودش باقی است اعتبارش هم باقی است نهايت بايد بدبکری اطلاع ندهد داده است و لايت ترتيب سند هيچ ضرری وارد نشده است اين کانه يك چيزی است که شايد اسباب دعوائی بشود والا اين يك تقبلی و خيانتی نيست بآن درجه اول و اين مجازات هم کم نيست از خدمت معزول ميشود و ديگر بخدمتی قبول نمی شود و علاوه حيس هم می شود بعضی اينکه مضمون سند

آقا شيخ ابراهيم - آن اولی مطالبی بود که سند را از اعتبار ميانداخت سند کالعدم می شد ولی اينجا آن ضرر متوجه نيست سند بجای خودش باقی است اعتبارش هم باقی است نهايت بايد بدبکری اطلاع ندهد داده است و لايت ترتيب سند هيچ ضرری وارد نشده است اين کانه يك چيزی است که شايد اسباب دعوائی بشود والا اين يك تقبلی و خيانتی نيست بآن درجه اول و اين مجازات هم کم نيست از خدمت معزول ميشود و ديگر بخدمتی قبول نمی شود و علاوه حيس هم می شود بعضی اينکه مضمون سند

را بکسی گفته است اين کم مجازاتی نيست برايش کمان نمی کنم کم باشد .
[در اين موقع پيشهادی از طرف حاج آقا بمضمون ذيل قرائت شد]
بنده تقاضا می کنم که مجازات در ماده ۱۲۹ از هشت ماه الی دو سال قرار بدهند .

رئيس - رأی ميگيريم باین اصلاح کسانی که اصلاح حاج آقا را قابل توجه می دانند قيام نمايند - (درد شد) .

ماده ۱۳۰ از راپورت کميسيون - هر گاه اجزای مذکوره يول را پيش از آنچه قانون معين می کند در اداره نگاه داشته بخرانه دولت نفرستند ملزمند که دو ماه قبل آن را بخرانه عايد دارند .

هشترودی - بنده اعتقاد اين است که اول بايد آن مقدار يول را معين کرد که تا چه اندازه کسب بايد بفرستد بخرانه و بعد از آن دو مقابل خيلى زياد است مثل فرض بفرمائيد صد تومان را دو سه روز در اداره نگاه داشت و نفرستاد بعد از آن بايد آن صد تومان را گرفت و دو بست تومان هم از او بگيرند اين اگر اينطور است خيلى زياد است اگر بنويسند آن يول را برب - مقابلش را آنوقت باز هم زياد می شود .

وزير عدليه - مقصود اين است که پنجاه تومان مثلامی تواند نگاه بدارد بيش از پنجاه تومان نبايد نگاه بدارد حالا از پنجاه تومان پنج تومان بيشتر شد و نفرستاد آن وقت ميگويد دو مقابل پنج تومان که ده تومان باشد روپش بگفارد بفرستد .

رئيس - مخالفی ديگر نيست - دو فقره اصلاح است خواندمی شود و مقابل توجه بودنش را می گرفته شود .

اول - اصلاح از طرف آقا ميرزا ابراهيم - خان اين بنده پيشهاد می کنم که مجازات راجعه بتقصير در ماده ۱۳۰ به ثلث مقرری ماهانه مباشر ثبت تبديل نمايند .

پيشهاد دوم از طرف فهم الملك - بنده پيشهاد می کنم که ماده ۱۳۰ اين قسم نوشته شود هر گاه اجزای مذکوره پيش از مدت و مبلغ مقرره در اداره نگاه داشته الی آخر ماده اين جمله اضافه بشود .

آقا ميرزا ابراهيم خان - علت اين پيشهاد بنده اين است که چون مبلغ اين معين نيست که چقدر را اگر نگاه بدارد بايد در مقابل آن را بايد يك مبلغی شد که نتوانست از عهده جريمه معينه بر آيد خواستم معين باشد که مبلغ جريمه که بر او تحصيل ميشود يك ثلث از مقرری او باشد .

رئيس - رأی ميگيريم مقابل توجه بودن اصلاح آقا ميرزا ابراهيم خان آقایان که قابل توجه ميدانند قيام نمايند [با کريترت رد شد - مجدداً اصلاح فهم الملك قرائت شد]

آقا شيخ ابراهيم - اين معين ميشود ممکن است يك ماه نگاه داشته دو ماه سه ماه چهار ماه يول را نگاه داشته است اين معين نيست چون يول زياد شده است و اين ثلث ماهيانه يول يك ماه است اين است که معين نيست آن چيزی که از

آن مبلغ معینه اضافی نگاه میدارد دو مقابلش را باید بدهد .

فهم الملک - پیشنهاد بنده با اصل ماده مغالطی ندارد فقط يك نامه نوشته ام بترتیبی که مدت معین می کند چون برای ترتیب خزانه داری و نگاه داشتن پول قانون وضع نمی شود این بسته است بترتیب اداری که نسبت به محل و مأمورین يك قانونی معین می کند که از روی همان عمل بشود که مأمورین آن وزارت خانه تا فلان مبلغ را در فلان مدت می توانند برسانند اینها چیزهایی است که نظام نامه داخلی معین میکند اینها نوشته اند قانون چیزی است که باید به مجلس اینها را نظامنامه داخلی معین میکند ولی - مله مدت و مبلغ مقررات اضافه شود بهتر است حالا نظامنامه و قانون هم شد ضروری ندارد .

وزیر عدلیه - این صحیح است در این قانون نوشته بشود خیلی خوب است برای اینکه يك سندی شود در آن پیشنهاد وزارت می بود که وقتی تا پنج ماه تومان شد باید بفرستد و نگاه ندارد وقتی که هم بنام مبلغ را معین میکنیم دیگر مدت لازم نیست بجهت اینکه ممکن است در يك جا يك روز پنج ماه تومان بشود و در جای دیگر يك ماه پنج ماه تومان بشود پس مدت لازم ندارد و همان مبلغ را اضافه کنند کافی است .

رئیس - کمیسیون هم قبول دارند این اضافه را .

آقا شیخ ابراهیم - بلی چه ضرر دارد خیلی خوب است .

رئیس - دیگر مغالطی نیست - ماده ۱۳۱ قرائت میشود .

ماده ۱۳۱ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکور حقوق دولت را کمتر از تفرقه مقرر اخذ نمایند ملتزم اند که در مقابل دفعه دوم سه مقابل و دفعه سوم چهار مقابل بخرانه دولت عاید داشته بملاوه معزول شوند .

رئیس - مغالطی نیست ماده ۱۳۲ قرائت میشود .

ماده ۱۳۲ از راپورت کمیسیون - هر گاه معلوم شود که اجزای مذکور حقوق دولت را تماماً اخذ کرده ولی تمام یا قسمتی از آن را بپنهان کرده اند در عداد سارقین اموال دولت محسوب و بکل از خدمت دولتی معزول و از شش سال الی ده سال بسته با اهمیت تقصیر محکوم بجهت میشوند .

رئیس - مغالطی نیست ؟

حاج سید ابراهیم - بنده چون اینجا می بینم دو فقره نوشته است یکی این است که يك قسمتی از حقوق دولت را تمام را اخذ کرده است و پنهان نموده است این هم از کلی و جزئی است در جزئی دیگر شش سال حداقل قرار دادن این زیاد است خوب است بنویسد حداقلش را از يك سال الی ده سال بنده در حد اکثرش حرفی ندارم ولی حد اقلش زیاد است

آقا شیخ ابراهیم - برای سارقین دولت اندازه نمی توان قرارداد سارق مال دولت را باید

مجازات داد تمام را پنهان کرده است یا نصفش را فرقی ندارد قانوناً وقتی مجازات سارقین معین خواهد شد یا باید نصف این وضع شود یا همین است .

رئیس - مغالطی نیست ماده ۱۳۳ قرائت می شود .

ماده ۱۳۳ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای مذکور علاوه بر تفرقه مقرر وجهی اخذ کرده و بحساب دولت نیابورده باشند در حکم مرتشی بوده اند خدمت دولتی بکلی معزول و از چهار سال الی هشت سال محکوم بجهت میباشند ولی اگر بحساب دولت آورده باشد زیاده از خزانه بصاحب آن مسترد و اجزائی که زیاده اخذ کرده اند بموجب ماده ۱۳۱ مواخذه میشود .

رئیس - مغالطی نیست ؟ ماده ۱۳۴ قرائت میشود .

ماده ۱۳۴ از راپورت کمیسیون - هر گاه اجزای اداره ثبت مقررات این قانون را در یک کدکاشتن جای سفید در دفتر تصحیح راضافه و عده سطور و سایر ترتیبات مقرر در ماده ۸۶ و ۹۳ که در همین دستور - العملهای وزارت عدلیه را در باب دفاتر منبوره رعایت نمایند دفعه اول ثلث مقرر مایه آن آنها موضوع دفعه دوم شش ماه از خدمت آنها کسر و دفعه سوم از خدمت معزول میشوند .

رئیس - مغالطی نیست ؟ ماده ۱۳۵ قرائت میشود .

ماده ۱۳۵ از راپورت کمیسیون - در مواردی که اجزای مذکور بواسطه غفلت یا مسامحه امور اداره رامعوق و تعطیل میدارند بترتیب ذیل مورد مواخذه میشوند .

دفعه اول توبیخ و شمانت دفعه دوم توبیخ و شمانت با درج در رورقه خدمت آنها دفعه سوم کسر ربح مقرر ماله آن آنها و در دفعات دیگر در همان سال از سه الی شش ماه از خدمت آنها کسر می شود .

رئیس - مغالطی نیست ؟

حاج سید ابراهیم - عرض بنده این است لفظ شمانت خوب نیست تقبیح و تمجید بنویسند بهتر است .

رئیس - دیگر مغالطی نیست ماده ۱۳۶ قرائت میشود .

(فصل دوم العانی - ماده ۱۳۶ از راپورت کمیسیون عبارت ذیل قرائت شد) مقرر می شود که اجزای اداره ثبت اسناد موافق قانون مقرر مأمورین و مستخدمین دولتی معین میشود علاوه بر مقرر مذکور يك اضافه در محل عایدات

رئیس - این دو ماده است یا یکی ؟

آقا شیخ ابراهیم - دو ماده است اولی همان يك سطر اول است تا معین میشود .

رئیس - مغالطی نیست [اظهاری نشد]

ماده ۱۳۷ قرائت میشود .

ماده ۱۳۷ از راپورت کمیسیون - علاوه بر مقرر مذکور يك اضافه از محل عایدات مباشر ثبت همه

ماهی در حق مباشرین ثبت منظور میشود مقدار این اضافه نظر بمقتضیات محلی نباید از صدی پنج عایدات مباشرت کمتر و الا صدی ده بیشتر باشد اضافه هر محرز را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه معین و صورت اضافات مذکور را به مقامات لازمه پیشنهاد می کند .

افتخار الواعظین - در این ماده ۱۳۷ چنین می فهماند که اداره ثبت اسناد یکی از ادارات مهمه است و باید در حق اجزای و اعضاء این اداره کمال رعایت بشود و مثل اینکه در باره اخلاق و دیانت آنها کمال اهتمام بود ولی اینجا نوشته شده است مقرر میباشند ثبت موافق قانون مقرر مستخدمین دولتی معین می شود و به علاوه يك اضافه هم از عایدات ثبت اسناد می دهند این اگر نسبت با اهمیت این اداره است که خیلی از ادارات دولتی است که خیلی مهم است خود معاکم عدلیه را بنده مهم تر از مباشرین ثبت اسناد می دانم چطور میشود در حق آنها کفایت خواهد شد بهمان مقرر که در حق تمام مستخدمین دولت معین میشود ولی مباشرین این اداره ثبت علاوه از مقرر قانونی يك اضافه حقوقی هم مقرر میشود از عایدات برای آنها .

آقا شیخ ابراهیم - علت آن این است که این کاری است که هر قدر مباشر در آن دخل داشته باشد بیشتر زحمت می کشد که مردم را راه بیندازد و مصلحت نکند برای اینکه يك وجهی از آن عمل اخذ می کند و مقرر او هر طور باشد این را باید قرار داد که از ماهیانه هر چه در آورد قسمتی از آنرا باید ببرد .

حاج سید ابراهیم - بنده این جمله و صورت اضافات مذکور را به مقامات لازمه پیشنهاد می کند را زائد می دانم بجهت اینکه وزارتین عدلیه و مالیه خودشان معین می کنند تعیین اضافات هر محل را این اضافات که يك قانون خیلی بزرگی نیست که بیاورند به مجلس .

وزیر عدلیه - این البته باید از مجلس بگذرد وزارتین عدلیه و مالیه چطور میتوانند از عایدات دولت بردارند بدهند مباشرین ثبت .

فهم الملک - اصل مدلول اینها خیلی چیز صحیحی است برای تحصیل داران و مأمورین که مباشر این عمل هستند باید يك همچنین چیزی اضافه بر مقرر بآنها داده شود ولی وقتی که بنامد که يك همچو اضافه از عایدات محلی بمباشرین ثبت بدهند صدی هز زیاد است در اینمواقع صدی نیم یا صدی يك یا صدی دو مثلاً بآنها بدهند کافی است ولی با حقوق کافی صدی هز بآنها بدهند این را بنده زیاد میدانم .

رئیس - يك اصلاحی پیشنهاد شده است می خوانیم و مجلس را ختم می کنیم .

(اصلاح مزبور از طرف آقا سید محمد رضا بپارت ذیل قرائت شد) چون در مواد مجازات برای مباشرین ثبت اسنادی که از اسناد امانتی در اداره ها بدهمی صاحب سند بدهند معین نشده لهذا بنده پیشنهاد می کنم که این ماده ذیل اضافه شود - هر گاه مباشر ثبت اسناد سندی را که در اداره مباشرت

امانت گذارده اند بدهمی صاحب سند بدهند از خدمت دولتی بکلی معزول و دیگر در هیچ خدمتی قبول نخواهد شد بملاوه از ۲ سال الی چهار سال حبس خواهد شد .

آقا سید محمد رضا - بنده بنظر من در مواد گذشته یکی از وظایف مباشر این بود که امانت مردم را قبول بکنند و این امانت هم امر مهمی است و اگر يك مباشر ثبتی يك سندی را که امانت با وسیره شد بدهمی او بدهد این يك خاقتی است خیلی بزرگ و در این جا مجازات از برای او معین نشده است و این مجازاتی را که بنده معین کردم زیاد نیست .

آقا شیخ ابراهیم - صحیح می فرمائید فراموش شده برای آن يك مجازاتی معین نشده است

رئیس - آقای مخیر این را قبول دارید ؟

آقا شیخ ابراهیم - بلی

رئیس - این موادی که در ضمن شور و رجوع شد بکمیسیون از مخیر سؤال می کنم تا روز شنبه آینده حاضر می شود . چون دستور معین میشود .

آقا شیخ ابراهیم - کمیسیون تشکیل بشود اصلاح می کنیم گمان می کنم برسد .

رئیس - علی ای حال جزء دستور روز شنبه آینده می گذاریم .

دستور شنبه آینده قانون استخدام - و بقیه ثبت اسناد .

[مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۳۳۳

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۱ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود

(قائین جلسه قبل) ده خدا ناصر الاسلام بدون اجازه لواء الدوله با اجازه قائم بودند - آقا شیخ محمد حاج وکیل الرعایا - حاج آقا - آقا شیخ علی شیرازی - آقا سید محمد باقر ادیب - نیر السلطان - حاج امام جمعه - مصدق المالک - بدووقع مقرر حاضر نشدند .

رئیس - آقای ناصر الاسلام در صورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

ناصر الاسلام - در صورت مجلس اسم مراجزه فائینین بدون اجازه جلسه قبل نوشته بودند در صورتیکه بنده قبلاً عرض کرده بودم علت مزاج عرض کرده و استعجازه نموده بودم .

رئیس - بله اجازه داده نشد

ناصر الاسلام - اگر باشخصیکه علت مزاج داشته باشند اجازه داده نمیشود پس خوب است قانونی وضع کنند پس اینکه همان طوریکه آقای دکتر علی خان در چندین قبل اظهار کرده بودند که اشخاصی که اظهار مرض میکنند رجوع بکنند یکی

از دکترهای مجلس والا وقتیکه علت مزاج پیدا شد دیگر نمی شود حاضر شد

رئیس - پیشنهادی اگر بیاست در این خصوص بشود رئیس نباید پیشنهاد بکنند یکی از نمایندگان می توانند پیشنهاد بکنند که بر نظام نامه داخلی افزوده شود ولی اگر بنا باشد که بنده هم روز مآذیر علت مزاج و غیره را قبول بکنم مجبور می شوم که هر روزه افلا بیست اجازه بدهم و اگر این طور باشد هیچ وقت عده برای مذاکره و رای نافی نخواهد شد حالا این مطلب اگر مطلب صحیحی است ممکن است بطور ماده العاقبه پیشنهادی بکنند .

ارباب کبخسرو - بنده در صورت مسلفت نشدم گویا در صورت مجلس يك کلمه خارجه نوشته شده بود می خواستم عرض کنم اگر نوشته شده است فارسیش نوشته شود .

رئیس - در کجا نوشته شده است

ارباب کبخسرو - در صورت مجلس

رئیس - در کجای صورت مجلس .

ارباب کبخسرو - در قسمت راجع بقانون منع احتکار .

رئیس - همچو چیزی نوشته نشده است - در صورت مجلس گویا ملاحظات دیگری نیست (اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

رئیس - دستور امروز راپورت کمیسیون نظام نامه داخلی در باب درآمدگی و غیبت شود در بقیه قانون ثبت اسناد است ولی قبل از آنکه داخل دستور بشویم راپورتی از کمیسیون عرایض رسیده است که مضمونش را عرض می کنم - آقای کاشف سه ماهه اجازه مرخصی خواسته بودند کمیسیون دو ماهه تصویب کرده است حالا بدون مذاکره راپورت کمیسیون عرایض رای می گیریم آقا یا اینکه با راپورت کمیسیون عرایض مرخصی در باب مرخصی دو ماهه آقای کاشف که کمیسیون تصویب کرده است موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت تصویب شد در جلسه گذشته فراموش کردم عرض کنم که آقای لواء الدوله با (۳۰) رای آقای میرزا رضا خان با (۴۱) رای برای اداره مباشرت انتخاب شدند .

(راپورت کمیسیون نظام نامه داخلی را آقای فهم الملک بپارت ذیل قرائت نمود)

کمیسیون نظامنامه داخلی روز دوشنبه (۱۸) شبان المظم ۱۳۲۵ یک ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک برای ملاحظه طرح قانونی کمیسیون مبتکرات و طرح آقای ارباب کبخسرو که از مجلس رجوع شده بود فوق العاده متعقد گردید پس از مذاکرات لازمه درباره هر دو طرح مرجوعه رای کمیسیون بمناصبات مهمه و ملاحظات عدیده بر اینتراد گرفت که بدو طرح قانونی فقط در مورد تأخیر و غیبت در رای مجلس از قرار تفصیل ذیل بعنوان اصلاح بجای جمله دوم ماده (۱۲۰) نظام نامه داخلی تقدیم مجلس شورای ملی شود .

اصلاح - عوض جمله دوم ماده ۱۲۰ نظامنامه داخلی باید اینطور نوشته شود

اشخاصیکه از وقت مقرر برای انعقاد مجلس بدون اجازه تأخیر نمایند باید موقع دادن رای در مطالبی که جزء دستور آن جلسات است بدون هذر موجه غیبت نمایند بهر نسیاست تأخیر و بهر سه ساعت غیبت در يك جلسه در موقع رای نمن مقرر يك روزه آنها کسر خواهد شد بملاوه مدت غیبت آنها در صورت مجلس و در روز نسامه رسمی اعلان خواهد شد .

رئیس - عرض میکنم که شور اول این ماده به عمل آمده است این شور دوم است و رای خواهیم گرفت .

معاضد الملک - بنده با راپورت موافقم فقط در يك جزئی مغالط می باشم و آن این است که نمن مقرر را که می دانم و کتباً تقاضای کنم که بر مقرر مقرر یک روزه کسر بشود

ارباب کبخسرو - اینکه نمن مقرر نوشته شده است بملاحظه این است که هر جلسه لااقل چهار ساعت طول خواهد کشید و از روی يك مأخذی است که این طور نوشته شده است

آقا شیخ علی شیرازی - این که نوشته شده است رای در مطالبی که جزء دستور است بنده نمی فهمم بجهت اینکه اگر مراد رای این است که در مجلس گرفته میشود که این قید لازم نیست و اگر مقصود از این قید اختزالی است یعنی امروز فرضاً دستوری معین شد و بعد قطعاً يك رای در آن گرفته شد که این هم باید توضیح بشود

لسان الحکما [مخیر کمیسیون] این رای آن مطالبی است که قبل در دستور جلسه معین شده است که عدا بیرون نرود و الا اگر يك مطلبی را که مطلع نیوده و به مجلس آمده و در مجلس هم يك رای خارج مدتی گرفته بشود و اتفاقاً هم ساعت خارج باشد هیبت ندارد .

فهم الملک - اینجا يك جمله نوشته اند که بهر سه غیبت در يك جلسه در موقع رای این مطلب در شور اول يك شکل دیگری پیدا کرد و آن این است که رئیس اعلان میکنند که رای باید گرفت و عده هم کافی نیست پس مدتی طول خواهد کشید تا اینکه جماعتی از خارج بیایند و عده کافی بشود حالا این اشخاصی که مجلس را تعطیل میکنند تا موقع دادن رای جزء غایبین محسوب خواهند بود یا خیر بجهت اینکه آوقتی که رئیس اعلان میکنند تا وقتی که رای میکنند ممکن است دو ساعت طول بکشد حتی اینکه گاهی از اوقات دیمه ایم که منجر باین میشود که تنفس داده میشود آنوقت تکلیف این اشخاص چه خواهد بود یکی دیگر هم اصلاح عبارتی است در ابتدا نوشته اند (اشخاصی که) باید نوشته شود (نمایندگان که) و الا اشخاص ممکن است که ناشایق بهام باشند .

افتخار الواعظین - اینجا عبارت بنظر بنده خیلی مبهم و مجمل می آید و باید توضیح بشود که مراد از این جمله چیست می نویسد بهر سه غیبت

در یک جلسه مورد سه غیبت در یک جلسه است و او اینکه متوالی هم نباشد یعنی سرای متوالی بگیرند و او در تمام این سرای غائب باشد یا اینکه از اول مجلس تا آخر مجلس بیست و یک نفر غیبت می گیرند همینکه در سرای آن حاضر نبود کافی است و بیست و یک نفری او کسر می شود این را خوب است توضیح بدهند که مرادشان از این جمله چیست.

لسان الحکماء - مقصود غیبت است چه متوالی باشد چه غیر متوالی مثلاً اگر یک غیبت در اول جلسه باشد و یکی در وسط و یکی در آخر سه غیبت محسوب می شود و تن مقرر غائب کسر خواهد شد.

اصلاحی است از طرف آقای معاضد الملک خوانده میشود.

(بمبارت ذیل قرائت شد.)
بنده تقاضا میکنم بجای ثمن مقرر یومیه ربع مقرر نوشته شود.

معاضد الملک - این دلیلی را که آقای ارباب اظهار فرمودند بنده را قانع نکرد بجهت اینکه مگر دیده شده است که خیلی ها دیر می آیند و نیم ساعت بواسطه دیر آمدن آقایان آقای رئیس و سایر آقایانی که حاضر شده معطلی میکنند تا اینکه همه کافی شود و شروع به مذاکره بنمایند و ثمن مقرر از برای کسی که قائل بمجازات باشد کافی نیست باین جهت بنده تقاضا کرده ام که ربع مقرر یومیه نوشته شود.

رئیس - رای میگیرم باین اصلاح - آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (رد شد).
رئیس - کویا لازم نباشد که پیش از این در این خصوص مذاکره بکنیم (بعضی اجازه نطق خواستند).

رئیس - پس رای میگیرم در اینکه مذاکرات کافی است یا خیر. آقایان اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (رد شد) پس مذاکرات اعادة میشود.

حاج دکتور رضاخان - بنده این عبارت را نفی می دانم بجهت اینکه نوشته است بهر نیم ساعت میخوام بدانم در صورتی که نیم ساعت و پنج یا ده دقیقه غیبت کرد آن علاوه محسوب میشود یا اینکه همان نیم ساعت را حساب خواهند کرد و اگر اینطور باشد در هر چهار نیم ساعتی ممکن است نیم ساعت محسوب نشود.

آقا شیخ ابراهیم - این فرمایشی که آقا فرمودند اگر بنا باشد که ده دقیقه را هم زیاد بکنیم باید بگوئیم نیم ساعت و ده دقیقه و این نمی شود بواسطه اینکه نسبت به نیم ساعت ثمن معین شده است نه نیم ساعت رده یا پنج دقیقه و اما سه غیبت یک ثمن آنهم خوب است بجهت اینکه غالباً در نیم ساعت پیش از سرای گرفته میشود و آنکه خارج شده و مجلس را معطل کرده است حقش این است که ثمن مقرر او کسر بشود.

لسان الحکماء - این مسئله را که فرمودند همین طور است همیشه [۲۹] دقیقه معاف خواهند

بود بواسطه اینکه تا نیم ساعت نشده است معاف خواهند بود و محسوب نمیشود.

بجهت - اینکه در معنی یک مجازاتی است و اساساً هم قبول دارم ولی دوجزه از این عبارت را بنده زائد می دانم یکی اینکه جزء دستور باشد بواسطه اینکه این قید برای اینست که اگر بلا یاسه فوری به مجلس آمد و در آن رای گرفته شد این را خارج کنند که در این صورت مجلس برای جزء دستور بودن آن رای خواهد داد پس این قید قایده ندارد و حضرت والا هم بیان فرمودند که قایده این قید چیست یکی هم اینکه نوشته اند در موقع رای مقصود از این جمله چه چیز است یعنی در موقعی که اعلان رای دادند غائب باشد ولی در خود رای حاضر باشد و در موقع اخذ رای غیبت بکنند یا اینکه در بین اخذ رای غیبت کند چون این احتمالات داده می شود باینجهت خوب است توضیح بشود.

لسان الحکماء - در مسئله اول که اظهار کردند البته هر مطلبی که در مجلس اعلان می شود جزء دستور است و مقصود از جزء دستور بودن این است که قبل از جلسه آن مطلب در دستور معین شده باشد ولی برای مسئله دوم مقصود از این ماده این است که کسی تعدد نکند و در موقع رای غیبت نکند و در هر یک از آن صورت که بیان کردند محسوب خواهد شد.

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض میکنم که مقصود از این ماده اینست که بهیچ عنوان نباید آن غائب نباشند چه در مذاکره باشد چه در موقع رای دادن به مطلبی که به آن راضی نباشد و بخواهند بظفر بگذرانند و رای ندهند و در این فقره اخیر هم اگر اینطور بکنند در مد نظر مجازات این عبارت را بهرین صورت خودش باقی بگذاریم آن وقت آن مطلبی که جزء دستور نبوده است و جزء دستور شده است اگر در موارد آنها رای گرفته شود غیبت در آن موقع مستثنی میشود بنده در اینجا اظهار عقیده نمیکنم ولی مطالبی که جزء دستور است اهم از این است قبلاً داخل دستور بوده است یا اینکه داخل نبوده است و در بین جلسه داخل شده است هیچ فرق نمی کند مقصود از این عبارت این است که آقایان همیشه حاضر باشند و بهیچوجه نتوانند غیبت نمایند.

ذکاء الملک بنده هم با توضیحی که آقای معبر دادند اگر قبول شود مخالف هستم.
حاج سید ابراهیم - بنده اینکه نوشته است بدون عذر موجه میخواستم عرض کنم که نوشته شود بدون اجازه.

ناصر الاسلام - عرض بنده هم راجع همین عذر موجه بود میخواستم عرض کنم که بنده معنی عذر موجه آنقدری که فهمیدم این است که نباید چیت مرض که عذر موجه نیست فرضاً گرفتاری که عذر موجه نیست و هیچ عذر دیگری را هم که موجه نمیانند پس خوب است این مطلب در اینجا قید شود که مراد از این کلمه چیست تا اینکه دفع اشکال از نظامنامه داخلی شود و هم معین بکنند که عذر موجه چیست که آنوکیل را معاف میکنند می تواند در این موافق غیبت نماید استدعا میکنم آقای معبر

رئیس - با کمرت [۵۰] رای تصویب شد

توضیح این مطلب را بفرمایند.
لسان الحکماء این مسئله را که اظهار فرمودند بنده خیلی تصدیق میکنم ولی بدینصورت عرض می کنم که هنوز هیچ لفظی از لفظ ما محفوظ نیست مثلاً غیر از کلمه عذر موجه را هم که ملاحظه فرمائید همینطور توسعه دارد و این بجهت این است که ما هنوز یک انجمن معارف نداریم که لقاات ما و معایناتش را محفوظ نماید.

ذکاء الملک - آقای معبر اینطور فرمودند که مطلبی که فوراً فی المجلس جزء دستور آمد آنهم از مطالب جزء دستور محسوب است در صورتی که بنده اعتقاد این است که اینطور نباید بشود و برعکس اظهارات آقایان که می فرمایند آن کلمه (دستور) باید برداشته شود بنده عقیده ام این است که مخصوصاً باید باشد برای اینکه آن مطالبی که فوری جزء دستور گذاشته میشود در آنها اگر کسی غیبت نماید نباید محسوب نشود بجهت این که مطلبی که بدون سابقه در بین مجلس جزء دستور گذاشته میشود و بنده آن مسئله را هیچ مطالعه نکرده ام و با قیام و عذر هم می خوانند رای بگیرند بنده در این مورد چه بکنم غیر از این است که برون بیرون تا اینکه توقف بنده موم بشود پس لازم است که این جمله باشد تا اینکه در این مورد که بنده برای امتناع از رای مبرم غیبت بنده محسوب نشود و معنی باشد که بنده در دادن این رای امتناع نموده ام.

رئیس - مذاکرات کویا کافی باشد (گفتند کافی است) یک اصلاحی آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نصف مقرر غائب در مجلس در حق رای کسر بشود.

رئیس - آقای ادیب التجار در این پیشنهاد خودتان توضیح بدهید تا اینکه رای گرفته شود.

ادیب التجار - چه توضیحی بهتر از این میشود که در این (۱۸) ماهه در مورد مذاکرات و اخذ رای بتجربه برای ما حاصل است که هیچکدام از ما هائمی توایم گمان بکنیم پس لازم است که این را تصویب بکنیم تا اینکه در موقع انعقاد مجلس آقای رئیس نیم ساعت در صندلی ریاست منتظر کافی شدن عذر نشود بلکه ما نیم ساعت زودتر از ایشان حاضر بشویم و منتظر رئیس و انعقاد مجلس بشویم باین دلیل عقیده بنده این است که هر قدر سخت گیری بشود بهتر است و این پیشنهاد را عرض کرده ام.

رئیس - رای می گیرم باین اصلاح آقای ادیب التجار آقایان اینکه موافقت قیام نمایند (رد شد) حالا رای میگیرم برای رابرت کیمسیون مجدد خوانده می شود [مجدداً جمله پیشنهادی کیمسیون با تبدیل کلمه (اشخاصیکه) به (نمایندگانیکه) قرائت شد]

رئیس - رای میگیرم به پیشنهاد کیمسیون آقایانی که باین اصلاح موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کمرت [۵۰] رای تصویب شد

شروع می کنیم بشود در بقیه قانون ثبت استاد امروذر باب تعرفه ثبت اسناد مقرر کرده خواهیم کرد و چون تعرفه در شور اول خوانده شد و در آن مذاکرات بعمل نیامده این شور اول محسوب می شود [شروع بشود در تعرفه بقرار ذیل از رابرت کیمسیون قرائت شد حقوقیکه در اداره ثبت اسناد دریاقت میشود از فرار تفصیل است].

اول برای ثبت اسنادیکه موضوع آن معاملات راجعه باموال غیر منقوله است از قبیل قبایله جات و بیع شرط نامه و مصالحه نامه و وصیت نامه و قرار دادنامه و غیرها - از هر تومانی یکشاهی و قرار دادنامه را اجاره کرده است فقط متافع یک کسی یک ملک را اجاره کرده است فقط متافع باو منتقل میشود در آنجا هم باید تومانی یکشاهی باو منتقل میشود در آنجا هم باید تومانی یکشاهی بدهد یا فرار دادنامه که یک کسی یا یک کسی قرار گذاشته است که در یک دکانی یکساله یا ششماهه عقد شراکتی بنشیند که معاملاتی که میکنند بشراکت یکدیگر باشد در آنجا هم باید تومانی یک شاهی بدهد بنده عرض میکنم قبایله جات و مصالحه نامه یا اجاره نامه و قرار دادنامه اینها هیچ مناسبتی باهم دیگر ندارد بلکه اگر انتقال یک هینی باشد و آن طرف معامله یک چیز معتقانه باشد میشود گفت که برای اینکه یک ملک تو میبیم تو محکم بشود و از دست تو خارج نشود تومانی یکشاهی باید بدهی تا اینکه بعد از این ترتیبات فراهم نیاید که طرف تو بگیرد من ایشا قبل از این بکس دیگری مصالحه کرده ام یا اینکه فروخته ام ولی در قرارداد نامه که چندان انتقاهی شاید برای طرف متصور نباشد و فقط یک عقد شرکتی بسته اند یا یک خانه را سه ماهه اجاره کرده است آنجا چه اهمیتی دارد منتهی این است که صاحب خانه بگیرد این خانه را که بشا اجاره داده ام قبل از این بکس دیگری اجاره داده بودم شما باید حرکت بکنید و این آن اندازه اهمیت ندارد که ما تومانی یکشاهی بگوئیم بدهد پس بنده این تومانی یک شاهی را برای این قسم استاد زیادی میدانم و کلیه این فهرستی را که نوشته اند بی مناسبت میدانم.

آقا شیخ ابراهیم - وصیت نامه اهمیتش از قبایله جات و بیع شرط نامه ها بیشتر است - از همه شان اهمیتش بیشتر است بجهت اینکه در اجاره نامه طرفین باید محکم کاری بکنند برای اینکه ممکن است طرف ادعای ملکیت بکنند و از این گذشته مباشر ثبت همان کاری را که در موارد قبایله میکند تمام آن اعمال را کلاً باید در این مورد بکنند و در این صورت حق الزحمه او فرقی ندارد باید همان اندازه را بگیرد و چون متعلق است باموال منقوله یکشاهی و ده شاهی فرقی ندارد و باید مثل هم باشند.

حاج جز المملک - اولاً برای اینکه آقای حاج آقا ملتفت باشند عرض میکنم که این صدی خمس است و در ادارات هم بیشتر از این میگیرند ولی بنده این مبانی را که نوشته اند از ابتدا بگیرند زیاد میدانم و همانطوریکه آقای حاج دکتور رضاخان فرمودند از ابتدا اندازه ها کمتر گرفته شود بعد که مردم قایده اینکار را فهمیدند ممکن است زیادتر از این قرار بدهیم.

آقا شیخ ابراهیم - بنده چندان بصیرت در اینگونه امور ندارم ولی آن موادی که گذشت برای ترتیبات سند که ثبت بکنند و در اداره ضبط بکنند و بر کز بلتسخه بفرستد و ترتیبات دیگری که بود بدهد که کار چقدر سخت است و این هم اموال غیر منقوله است یعنی املاک است و کسیکه میخواهد ملک در دست تومانی را محکم بکند یک تومانی بدهد

بنده این اندازه را زیاد میدانم حالا آقایان هر نظری دارند مختارند.

افتخار الواعظیه - بنده از آقای معبر توضیح میخوام که اینجا در این تفصیلی که داده شده است مراعات تقسیم صحیحی نشده است بجهت اینکه نوشته شده است قبایله جات و بیع شرط نامه ها و اجاره نامه ها مصالحه نامه ها و وصیت نامه و قرار داد نامه و غیرها تومانی یکشاهی اولاً عرض میکنم که در مصالحه نامه و در قبایله جات اغلب احواله عین بین میشود یک کسی که خانه را میخرد و یک عین باو منتقل میشود آنجا باید تومانی یکشاهی بدهد اما در یکجا یک کسی یک ملک را اجاره کرده است فقط متافع باو منتقل میشود در آنجا هم باید تومانی یکشاهی بدهد یا فرار دادنامه که یک کسی یا یک کسی قرار گذاشته است که در یک دکانی یکساله یا ششماهه عقد شراکتی بنشیند که معاملاتی که میکنند بشراکت یکدیگر باشد در آنجا هم باید تومانی یک شاهی بدهد بنده عرض میکنم قبایله جات و مصالحه نامه یا اجاره نامه و قرار دادنامه اینها هیچ مناسبتی باهم دیگر ندارد بلکه اگر انتقال یک هینی باشد و آن طرف معامله یک چیز معتقانه باشد میشود گفت که برای اینکه یک ملک تو میبیم تو محکم بشود و از دست تو خارج نشود تومانی یکشاهی باید بدهی تا اینکه بعد از این ترتیبات فراهم نیاید که طرف تو بگیرد من ایشا قبل از این بکس دیگری مصالحه کرده ام یا اینکه فروخته ام ولی در قرارداد نامه که چندان انتقاهی شاید برای طرف متصور نباشد و فقط یک عقد شرکتی بسته اند یا یک خانه را سه ماهه اجاره کرده است آنجا چه اهمیتی دارد منتهی این است که صاحب خانه بگیرد این خانه را که بشا اجاره داده ام قبل از این بکس دیگری اجاره داده بودم شما باید حرکت بکنید و این آن اندازه اهمیت ندارد که ما تومانی یکشاهی بگوئیم بدهد پس بنده این تومانی یک شاهی را برای این قسم استاد زیادی میدانم و کلیه این فهرستی را که نوشته اند بی مناسبت میدانم.

آقا شیخ ابراهیم - وصیت نامه اهمیتش از قبایله جات و بیع شرط نامه ها بیشتر است - از همه شان اهمیتش بیشتر است بجهت اینکه در اجاره نامه طرفین باید محکم کاری بکنند برای اینکه ممکن است طرف ادعای ملکیت بکنند و از این گذشته مباشر ثبت همان کاری را که در موارد قبایله میکند تمام آن اعمال را کلاً باید در این مورد بکنند و در این صورت حق الزحمه او فرقی ندارد باید همان اندازه را بگیرد و چون متعلق است باموال منقوله یکشاهی و ده شاهی فرقی ندارد و باید مثل هم باشند.

ارباب کیشرو - ما باید از اصل موضوع خارج نشویم این ترتیبات را برای چه بدهند لابد برای آسایش حال مردم است و اینکه فرمودند حالا هم مردم از روی کمال میل میدهند آن مردمی که از روی میل میدهند واقفانه چیز را میدهند ولی آن اشخاصی که هیچ ترتیبی در کارشان نیست و یا هر انگشت سینه بهم دیگر میدهند یقیناً حاضر

نخواهند بود بنده عقیده ام این است که دولت باید یک تغذیبی بدهد که مردم از روی رضا و رفعت بروند اسناد خودشان را محکم بکنند یکی هم اینکه کلیتاً میگوئیم تومانی یکشاهی یا کتر صحیح نیست تا یک ماخذی باید این قسم قرارداد و از آن ماخذ که بالا رفت یک قسم دیگر و همینطور مبلغ تفاوت بکنند یعنی هر چه بالا میزند کسر بکنند چنانچه بنده در قانون بیروا یک ترتیبی را پیشنهاد کرده بودم بترتیب خارجه در اینجا هم بنده این ترتیب را بکلی بیمناسبت و خارج از ترتیب میدانم و این اسباب این میشود که آن قسمی که باید اینکار رواج بشود.

حاج آقا - من هیچ گمان نمی کردم که اینجاده این همه مورد گفتگو واقع بشود غالباً در مالیاتها و بیکه وضع میشود دولت یک صلحی را در نظر میگیرد و وضع مالیات می کند و انسان هم ناامکان داشته باشد نسبت به نام خودش باید تنبیش بکند ولی یک چیزی که اجرت است و باید ربطی بمالیات که مصلحت نومی است ندارد بلکه یک ترتیبی است که دولت در نظر میگیرد برای استراحت عموم که اسناد در یک جایی ثبت باشد تا اینکه در موقع مشاجره یک چیزی در بین باشد که رفع نزاع بکند و در مقابل این کار نباید یک چیزی را هم بگیرد دولت گذاشت که علاوه بر اینکه خودش خدمت می کند یک چیزی هم از کیسه خودش که از جاهای دیگر گرفته شده است خرج این اداره بکنند من در این قسم از موافق یک خدمتی است که ما در بین دولت بموم می کنند و یک امری می گردند تصور می کنم که این یک حق مشروعی است که گرفته میشود و باید هم گرفته شود بواسطه اینکه اگر آقایان مسبور باشند و طرف مامله شده باشند می دانند که در ادارات تحریریه امروزی و در محاکم شرعیه چه بسا سندهای بیست هزار تومانی و ده هزار تومانی بلکه هزار تومانی هست که امرش به بیست تومانی و ده تومانی کمتر نمیکند و مردم هم برای استیکار محکم که برای اثبات مطالبش مهرش محکم تر است از برای اعتبار آن سند با کمال رضایت می رود و مخارجش را هم ولو اینکه زیادتر باشد میدهد و سند میگیرد برای اینکه در آبه دچار محظورات نشود پس بکچین اداره که برای رفاه مردم دائر می شود باید ملاحظه مخارجش را هم کرد البته آقایان باید ملتفت باشند که بکچه چو اداره بزرگی که از شیای عدله است مخارجی دارد که امروزه بودجه دولت هیچ اجازه نمی دهد که از جای دیگر بیارند و خرج این اداره بکنند باید از روی همین مطالب یک مسارفی که گرفته میشود دولت خرج این اداره بکند و این یک حق مشروعی است که هیچ اعتراضی نه فعلاً نه شرعاً نه عرفاً به آن وارد نیست حالا اگر می دانید که باین ترتیبی شما تصور می کنید و می تقبیش می کنید بکخرجی فوق العاده بر بودجه شما تعین نمی شود که مجبور بشود از یک جای غیر مشروع دیگری بیست بیارند و بآنجا بدهد که بنده هم قبول می کنم ولی در صورتیکه این کار را اگر نکنید می دانید در آبه دچار محظورات خواهید شد و مجبور می شوید که بگوئید چون بودجه دولت ما

کسر دارد باید يك مالیات دیگری برای جبران آن وضع بکنیم اید صحیح نیست و بنده تصویب نمی کنم .

حاجدکتر رضاخان - گمان می کنم که آقای حاج آقا اشتباه میکنند اولاً باید بدانند که این يك مالیات است برای سند و چون از ابتداء تا بحال این مطلب تصریح نشده است این اظهار را می فرمایند در سایر جاها با این که ثبت اسناد اجباری است و هر وقت در يك معاکره يك سندی ثبت نشده باشد دو برابر آن مبلغی که باید بدهد جریمه او زمین می شود مع ذلك صدی خمس می گیرند و در يك مملکتی که اختیاری است و مردم هنوز عادت نکرده اند نباید يك تومان را يكشاهی بر آنها تحمیل کرد اجاره بندی های این جا از يك سال بیشتر نیست و وقتی که ده هزار تومان اجاره بندی است و باید ۰۰ تومان بدهند البته نخواهند داد و عبادت دولتی کسر خواهد شد نظر بنده از دید پیشیند وقتی که تکرار و دست ازان شده عبادت دولت زیادتر می شود یعنی مردم بیشتر رغبت می کنند در این مورد هم همین طور است چنانچه شما بخواهید وجه آرا زیاد بکنید آنوقت اداره دولت معطل می ماند و مردم کسر خواهند رفت برای این که ما ملاحظه ثبت سند را کرده ایم و گفته ایم از هر سندی پاه هزار یا ۲ هزار ریال بگیرند .

کس از صد تومان ۴۰۰ قران گرفته شود که صدی خمس می شود .

کاشف - بنده تصور می کنم نظر آقای وزیر هیچوقت در وضع مالیاتی باین ترتیب نبوده است چونکه ترتیب حالیه معلوم است و مردم به عیال زیادی نمی خواهند اسنادشان معتبر باشد و الا هم معمول به اداره ثبت اسناد این است که از صد تومانی دو قران می گیرند باینجهت بنده تعجب می کنم از اینکه بعد از این بخواهند بیشتر از این بگیرند بعقیده بنده از صد تومان دو قران که صدی خمس می شود اگر نماند بخواهند بیشتر بگیرند چنانچه در آن حاضرم بشنودند .

وزیر عدلیه - در باب این تفرقه کتباً بنده هم اینست که این زیاد نوشته شده باید کمتر نوشته شود چنانچه در پیشنهاد سابق هم کمتر نوشته شده است هر صد تومانی دو قران بود ولی بکلی هم موافق هستم با این ایراداتی که می کنند برای اینکه يك اداره را که مازتیب می دهیم باین انضباطی که قانونش را ملاحظه فرمودید و با تقاضای لازم و با حقوق کافی که باید داد این اداره خیلی خرج دارد اگر بخواهیم این ملاحظه را بکنیم که دولت از پول خودش از خزانه خودش باین اداره پول خواهد داد این ملاحظه هیچ فایده نخواهد داشت و پایه ندارد و تجربه بنا نشان می دهد که هیچوقت چیزی چیزی نشده است و از برای يك چنین مصارفی يك معنی لازم است و دولت نمی تواند مالیات بلوچستان را بیاورد اینجا خرج بکنند از برای معکم کردن سند يك شخصی که درمازندران اقامت دارد هر کس آبادی و عمران مملکت را می خواهد با وسوسه باید درمغارج آن اداراتی که برای آبادی و عمران آن مملکت لازم است شرکت کند یکی از اداراتی که خیلی امروزه از برای مالازم است عدلیه است میشود گفت که یکی از اصلاحاتی که عدلیه مایهت بان است همین اداره ثبت اسناد است ولی متأسفانه مانده باینکه امروزه این اداره را آنطوریکه لازم است درخورد این اداره است اینرا بسط بدهیم و معکم کنیم و اعتبار بدهیم باین اداره ولی این بنا به ما باز دارد از اینکه اولین قدمها که لازم است با کمال جرات برداریم ما اگر نمیتوانیم اعتبار بدهیم اسنادها امروزه تضمین بکنیم این اسباب این میشود که ما بیائیم بخالائیکه همیشه داشته ایم این اداره را نتوانیم طوری ترتیب بدهیم که خرج دخل نکند و نتواند عایداتش بخوبی ایفاء بخارجش را بکند باینجهت این فرمایشیکه آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که این اسناد تومانی نیشاهی که باید از برای آنها بدهند خود معامله تومانی نیشاهی صرف نمیکند اینرا بیاورد مرد نمیکند ولی او هم این سندش را ثبت نمیکند ما کسی را مجبور نمیکند که سندش را بیاورد در اداره ثبت اسناد ثبت بکند اگر بان ترتیبیکه آرا تسجیل میگویند اینجا بخواهیم معمری بداریم و مجبور میگردیم که حکماً اسنادتان را بیاورید اینجا ثبت بکنید آنوقت این فرمایش حاج وکیل الرعایا صحیح بود ولی نمیشود مردم را مجبور کرد که اسنادتان را بیاورید ثبت بکنید و تومانی فلاقت بدهید لکن هر کسی میخواهد اسنادش را از حیث تاریخ از حیث مبلغ از حیث خط و مهر و انرار و صلاحیت

حاج سید ابراهیم - فرمودند در سایر جاها مجبورند و کمتر می گیرند صحیح است وقتی که ثبت سند اجباری شد البته باید کمتر بگیرند بجهت این که همه خواهند برد و نمی توانند نبردند ولیکن در این جا معتادند و نتوانند این اندازه بدهند می آورند ثبت می کنند نمی توانند نمی آورند ولیکن بنده نظر آقای از باب را در این جا خوب می دانم هر قدر مبلغ بالارفت باید یک قدری تخفیف داد و آنرا برای خود دوم اصلاح می کنیم .

حاج سید ابراهیم - بنده عرضم گفته شد و حالا هم بقتدر می خواهم عرض کنم که این (دقیقاً) مجید است خوب است بنویسند و هر سندی که انتقال ملک بیاورد تا این که اجمال رفع شود .

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمی دانند [گفتند کافی است] چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است يك فقره از طرف آقای دکتر حاج رضاخان که صدی ربع گرفته شود و يك فقره از طرف آقای نیر السلطان و آقای کاشف که پیشنهاد کرده اند از صد تومان ۴۰۰ قران گرفته شود که تقریباً صدی خمس می شود آنها خوانده می شود و رأی می گیریم .

(پیشنهاد آقای دکتر حاج رضاخان بعبارت ذیل قرائت شد) .

این بنده پیشنهاد می کنم که در جزء اول تفرقه از هر تومانی يكشاهی نوشته شود از صدی ربع

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قایل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد) ۴ فقره هم از آقای نیر السلطان و آقای کاشف پیشنهاد شده است هر دو يك حال را دارد یعنی هر دو پیشنهاد کرده اند

چون حسن قانون باین است که به اسان قوم نوشته شود در هزار تومان يك تومان بنویسند که چون این قوانین تازه دارد در مملکت ما وضع می شود باید خیلی ساده نوشته شود و بنده این مقدار را که در هر هزار تومان يك تومان باشد کافی میدانم و زیاد فرمایند باین ترتیب می دانم بجهت اینکه آنوقت گمان نمی کنم دولت موفق ثبت این قبیل اسناد بشود بجهت اینکه ما اطلاع داریم بعضی معاملات صرافانی است که در بازار قبض و اقبالی می شود و فایده آن تومانی نیم شاهی ثبت در این صورت چطور این قبیل معاملات را می آورند و تومانی نیم شاهی برای ثبت آن حاضر میشوند بدهند .

وزیر عدلیه - در باب این تفرقه کتباً بنده هم اینست که این زیاد نوشته شده باید کمتر نوشته شود چنانچه در پیشنهاد سابق هم کمتر نوشته شده است هر صد تومانی دو قران بود ولی بکلی هم موافق هستم با این ایراداتی که می کنند برای اینکه يك اداره را که مازتیب می دهیم باین انضباطی که قانونش را ملاحظه فرمودید و با تقاضای لازم و با حقوق کافی که باید داد این اداره خیلی خرج دارد اگر بخواهیم این ملاحظه را بکنیم که دولت از پول خودش از خزانه خودش باین اداره پول خواهد داد این ملاحظه هیچ فایده نخواهد داشت و پایه ندارد و تجربه بنا نشان می دهد که هیچوقت چیزی چیزی نشده است و از برای يك چنین مصارفی يك معنی لازم است و دولت نمی تواند مالیات بلوچستان را بیاورد اینجا خرج بکنند از برای معکم کردن سند يك شخصی که درمازندران اقامت دارد هر کس آبادی و عمران مملکت را می خواهد با وسوسه باید درمغارج آن اداراتی که برای آبادی و عمران آن مملکت لازم است شرکت کند یکی از اداراتی که خیلی امروزه از برای مالازم است عدلیه است میشود گفت که یکی از اصلاحاتی که عدلیه مایهت بان است همین اداره ثبت اسناد است ولی متأسفانه مانده باینکه امروزه این اداره را آنطوریکه لازم است درخورد این اداره است اینرا بسط بدهیم و معکم کنیم و اعتبار بدهیم باین اداره ولی این بنا به ما باز دارد از اینکه اولین قدمها که لازم است با کمال جرات برداریم ما اگر نمیتوانیم اعتبار بدهیم اسنادها امروزه تضمین بکنیم این اسباب این میشود که ما بیائیم بخالائیکه همیشه داشته ایم این اداره را نتوانیم طوری ترتیب بدهیم که خرج دخل نکند و نتواند عایداتش بخوبی ایفاء بخارجش را بکند باینجهت این فرمایشیکه آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که این اسناد تومانی نیشاهی که باید از برای آنها بدهند خود معامله تومانی نیشاهی صرف نمیکند اینرا بیاورد مرد نمیکند ولی او هم این سندش را ثبت نمیکند ما کسی را مجبور نمیکند که سندش را بیاورد در اداره ثبت اسناد ثبت بکند اگر بان ترتیبیکه آرا تسجیل میگویند اینجا بخواهیم معمری بداریم و مجبور میگردیم که حکماً اسنادتان را بیاورید اینجا ثبت بکنید آنوقت این فرمایش حاج وکیل الرعایا صحیح بود ولی نمیشود مردم را مجبور کرد که اسنادتان را بیاورید ثبت بکنید و تومانی فلاقت بدهید لکن هر کسی میخواهد اسنادش را از حیث تاریخ از حیث مبلغ از حیث خط و مهر و انرار و صلاحیت

اصحاب معامله و تصدیق مطالبین استحکام بدهند در اداره ثبت اسناد باز است هر کس میخواهد سندش را استحکام بدهد نسبت به طایفه هر ش کردم میرد ثبت میکند و ما هم کسی را اجبار نمیکند که سندش را بیاورد همینقدر میگوئیم هر کس میخواهد اسناد خودش را باین ترتیب اعتبار بدهد و استحکام بدهد که در محاکم عدلیه از این حیثیات محل حرف نباشد بیاورند ثبت بکنند تفرقه ثبت او هم این است میگویند تفرقه اش زیاد است ثبت نمیکند این مقدمه را هم عرض بکنیم که ما کلیه تفرقه و تبدیل این تفرقه نیاید این ملاحظه را بکنیم که مردم استطاعت ندارند یا اینکه این صاحب سند از این معامله تومانی نیشاهی فایده میبرد یا میرد ولی از طرف دیگر هم بنده هم عقیده هستم با آقایانیکه تومانی نیشاهی را زیاد میدانند بله این زیاد است این درصد تومان پنجاه هزار میشود در صورتیکه بعقیده من صد تومانی دو هزار کافی است دیگر اینکه حاج وکیل الرعایا فرمودند نوشته شود هر هزار تومان بیکتومان نوشته شود این عقیده هم بکسیون رسیده بود و اینطور درست نبود بجهت اینکه تا صد تومان و پنجاه تومان درست بود لکن وقتی که بکسور میرسد در وزارتخانه اسباب اشکال میشد آنوقت باید بگوئیم که از فلان مقدار چه بکنند از فلان مقدار چه بکنند و مخصوصاً کار تفتیش هم خیلی مشکل میشد لکن باین ترتیب که بگوئیم تومانی نیم شاهی یا يك شاهی رقم این اشکالات را میبکند علاوه بر اینکه از برای عوام هم خیلی آسان تر است که بگوئیم تومانی نیشاهی بدهید یا اینکه بگوئیم در هر صد تومان يك تومان بدهید

حاج شیخ اسدالله - فرمایش آقای وزیر خودش دلیل بود بر اینکه پیشنهادیکه وزیر کرده اند آراهم باید بیاورند در مجلس قرائت شود اگر این پیشنهاد بکسیون برد شد آنوقت پیشنهاد وزیر را گرفته شود و بنده با این مواد که اینجا نوشته شده است که یکی همین ماده دوم است مخالف هستم و باید نوعی ترتیب داد این اداره را که مردم وقتی که دیدند بالطبع رغبت بکنند و بیایند اسنادشان را ثبت بکنند اگر آنطوریکه میفرمایند باینکه اعضائی بیاوریم و يك مخارج فوق العاده برای او قرار بدهیم يك مرتبه که سندش را ثبت بکنند و دیگر که باید مشعل يك مخارج فوق العاده بشود دیگر نیاید و اداره دولت هم منظور معطل میماند و باید حقوق این اداره را دولت از کیسه خودش بدهد و بهترین حقوقیکه از برای ازدیاد دخل این اداره است این است که حقوقش را کمتر بگیرند تا مردم زیادتر اسنادشان را بیاورند ثبت بکنند و بنده تصور می کنم صدی خمس کافی است یا لااقل صدی ربع باشد و حالا هم که خود آقای وزیر تصدیق فرمودند گمان نمی کنم که مخالف با آن لایحه باشد که مجلس تقدیم کرده اند حالا اگر جناب وزیر آن پیشنهاد خودشان را پس گرفته اند فرمایند تا بدانیم و اگر پس نگرفته اند در موقع خواندن پیشنهاد وزیر هم خوانده شود با اگر این ردهش بان رای گرفته شود بنده پیشنهاد وزیر را خیلی بهتر و مناسب حالتر می دانم و برای مردم هم آن بهتر است .

حاج آقا - بنده تمام نظر من همان است که در

این ماده عرض کردم راجع با داده و بیشتر مت مخارج اداره آقای وزیر عدلیه هم بیان فرمودند اما آنطالی که گفته میشود و نظرات فلسفی که آقایان بیان می کنند و دور بینی هائی که دارند اگر حقیقه هم درست باشد ولی با عملیات خارجی ابتدا درست نیست تصور می کنند آقای حاجی رضا خان که تمام معاملات این مملکت تمام پنجاه هزار تومانی است و حال این که معاملات پنجاه هزار تومانی در تمام این مملکت در سال از شرف تا غروب شاید بی بیاجل باینجهت برسد و غالباً با صد و هزار و دو هزار است و از آن طرف معاملات خارجی اغلب با برات است و از آن طرف میفرمایند معاملات خارجی ما واقفاً باید بدانیم که این اداره که تاسیس شد همه می آیند و اسنادشان را ثبت میکنند و واقفاً بخواهند این اداره مطمئن تمام اسنادشان را از کلی جزئی در این اداره ثبت می کنند اگر اینطور بود بنده هم هم عقیده بودم با آقایان ولی ما تخریب کرده ایم که هر اداره که تازه احداث میشود تا قوانینش با بیانات متوسط جرائد و غیره مردم معلوم شود آن فایده را که میخواهیم حاصل نمیشود و مردم اقبال نمیکند پس تا مدت مدیدی مردم ملذت فوائد این نیستند تا اینکه در محل ابتلا بفرمید که فایده این چیست آن وقت بیایند اسناد خودشان را در اداره ثبت اسناد ثبت نمایند این معاملات که الان در بازار میشود خوب بود باینجهت چقدرش را بیاورند ثبت میکنند از روز اول که ترتیب اداره ثبت اسناد در عدلیه مرتب شده اگر ملاحظه اینها را بکنیم آنوقت پارامشکلات که الان در نظر بعضی از آقایان است رفع می شود الان اغلب اینگونه معاملات در دکان یا کلبه نوشته میشود و ابتدا اعتنائی باین ترتیب ندارند مگر وقتی که محل ابتلاشان بشود و بروند آن وقت ثبت بکنند و اگر از حسابلا بخواهیم خیلی کم باین ملاحظاتی حقوق ثبت را قرار بدهیم آنوقت با اندازه حقوق و مخارج این اداره عایدی این اداره نمیشود و همانطوریکه گفتند نباید مالیات بلوچستان را گرفت و خرج ثبت اسناد انزلی کرد اینرا هیچ انصافی تصدیق نخواهد کرد پس باید ملاحظه واردات این اداره را کرد و ملاحظه مخارج این اداره را کرد آنوقت بکطوری ترتیبش را داد که واردات و صادرات آن با هم مقابله بکنند .

دکتر حاج رضاخان - بنده پس از آنکه آقای وزیر در خانه فرمایشات آن جوانها را فرمودند دیگر صرف نظر از اعتراض خود نمیکنم و تمام نظر باینکه بنده در ماده اول داشتم در ماده دوم هم دارم که اگر تومانی نیشاهی تبدیل صدی ربع شود بهتر است و همان مقصود بعدل می آید همان تومانی نیشاهی میشود از آقای مقبر توضیحی میخواستیم که بیع شرط نامه را در بالا تومانی نیشاهی معین کردند و این ماده دوم مثل بالا است و اینرا تومانی نیشاهی معین کردند بجه نظر بوده است توضیح فرمایند .

آقای کاشف - در آنجا اموال غیر منقوله بود اینجا منقوله است .

رئیس - مذاکرات کافی است يك اصلاحی آقای کاشف پیشنهاد کرده اند خوانده میشود .

(بمبارت ذیل خوانده شد) اصلاح در قسمت دوم تفرقه ثبت اسناد .

بنده پیشنهاد میکنم که از هر صد تومانی بیک قران گرفته شود .

کاشف - بنده خیلی تعجب میکنم از آقایانیکه موافقت میکنند باین راپورت و آقای وزیر هم اینجا توضیحاتی داده بنده نظریات آقای وزیر را تصدیق میکنم ولی این فرمایشات تمام راجع با اموال غیر منقوله است و هیچ ربطی بتجارت و اموال منقوله نداشت و کلیه آقایانیکه از ترتیب تجارت اطلاع دارند میدانند که باید همیشه اسباب سهولت و پیشرفت تجارت را فراهم میکنند آقایانیکه از ترتیب تجارتی اطلاع دارند میدانند اغلب معاملات تجارتی بقول است و در دفتر کش می شود يك سندی مبادله بشود حالا که می خواهند يك ترتیبی بدهند که سند در بین باشد و تمام معاملات در تحت يك ترتیبی و ثبت و ضبط بیاید نباید تعجیلات فوق العاده بکنیم که کسی رغبت نکند باینکه معاملات خودش را باین اداره بیاورد و بنده در باب دخل این اداره که مذاکره می شود که بعضی اظهار می دارند عایدی این اداره کم خواهد بود در نظر بنده بعکس است عرض می کنم وقتی که پول تمبر این اداره کم شد همه کس می آید سند خودش را ثبت می کند و کلیه معاملات ثبت می شود و يك چیز دیگر هم بنظر بنده می آید و آن آنستکه برخلاف مسادات است این که بنده فرضاً يك معامله صرافانی دارم که ۰۰ هزار تومان هست تومانی نیشاهی باید بدهم و يك شخصی دیگر هم که ۰۰ تومان معامله می کند تومانی نیم شاهی بدهد در صورتی که هر دو يك مقدار زحمت دارد و اداره سهم نفع و ضرر کسی نیست بنده این را زیاد می دانم و يك تعجیل فوق العاده می دانم اگر مقصود این است که کسی باین اداره نیاید و این اسناد را ثبت نکند این موضوع علیحده است ولی اگر مقصود اینستکه بیایند باین اداره اسناد خودشان را ثبت نمایند که تمام اسناد معکم شود و رفع تمام محظورات شود باید که در این مورد بخصوص که معاملات صرافانی و جاریه است باید که خیلی کم گرفته شود چون معاملات صرافانی و تجارتی ۰۰ تومان و ده تومان نیست خیلی کم که باشد از هزار و پانصد کمتر نیست باینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که از هر صد تومانی يك قران گرفته شود یعنی خمس گرفته شود و بیش از این را هم کسی قبول نمی کند و آن فرمایشات را که آقایان فرمودند اطلاعات سطحی است اطلاعات عمقی نیست چون اطلاع ندارند ممکن است سهوی بکنند اسناد دارم اشخاصی که از معاملات تجارتی اطلاع دارند اگر مخالف بنده هستند اظهار نشان را بکنند و آهائی که اطلاع ندارند فرمایشاتشان عمقی نیست .

رئیس - يك مرتبه دیگر این پیشنهاد خوانده و رأی گرفته میشود .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - باین اصلاح آقای کاشف رأی میگیریم آقایانیکه موافقت باین اصلاح قیام نمایند (رد شد) ماده سوم را بخوانند .

ماده سوم - از ثبت عقدنامه و نکاح نامه پنجقران .